

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۶
شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵:۴۵ ریال

هدف امپریالیسم امریکا: سرکوب یا مسخ انقلاب

امپریالیسم امریکا، چنانکه حتی مطبوعات بورژوازی امریکا و اروپای غربی نیز به تفصیل می نویسند، در تدارک یورش تازه‌ای به قصد براندازی جمهوری اسلامی ایران است. ایجاد پایگاه‌های جدید در سومالی، عمان، مصر، کنیا؛ تمرکز نیروهای عظیم دریایی و هوایی در عمان و دیکو کارسیا، آماده سازی نیروهای مزدور در مصر، عراق و نقاط دیگر، اجزاء نقشه است که نام مفحک آمریکائی... مآبانه جیمز باندی «جهش مثبت ۸۰» بدان داده شده است. این تدارک‌های علنی نظامی، تمرین‌های مختلف در صحرائ نواذ و سواحل امریکا، این مقالات حساب شده در جراید غرب و این اظهارات معامی آقای هارولد براون وزیر دفاع امریکا و دهها واقیعت عیان و نپان دیگر، نشان میدهد که، امریکا برای حفظ مواضع متزلزل خویش در منطقه نفتخیز خاورمیانه، سخت نیازمند تظاهر به قدرت و «هارت و پورت» کردن است، تا «خلاء قدرتی» که از سقوط رژیم نظامی - پلیسی پهلوی در این عرصه پدید شده، به نحوی پس گردد و امریکا بتواند منافع راهزانه خود را در

پیشنهاد حزب توده ایران را برای تشکیل «کنگره تفاهم ملی» جدی بگیرید

مصحابای که نامه «مردم» یا رفیق نورالدین کیانوری بعمل آورده و متن آن در شماره ۳۲۵ (پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹) انتشار یافته، یک مصاحبه عادی نیست. در این مصاحبه زمینه‌ها و عوامل پیدایش ناخرسندی رشدیابنده‌ای، که میتواند منجر به بحران شود، ساختار نیروهای ضدانقلاب، ستاد آن، نحوه عمل آن در بهره‌گیری از زمینه‌های بحران، برای ایجاد بحران، بقصد ایراد ضربه بر-اندازی جمهوری اسلامی ایران، بقیه در صفحه ۸

تقویت سپاه پاسداران، تحکیم انقلاب است

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: دست‌هایی در کار است که مردم را نسبت به انقلاب بی تفاوت کند سپاه پاسداران (باید) به بهترین نحو تجهیز و پشتیبانی بشود

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، درباره تلاش‌هایی که در جهت بی تفاوت کردن مردم نسبت به انقلاب بعمل می‌آید، از جمله گفت: «دست‌هایی در کار است که مردم را بی تفاوت کند... به برادران مسئول در سطوح بالای کشور، همچنین در مواردی به عامه مردم گفته‌ام، وظیفه ما اینست که کوشش کنیم حالت بی تفاوتی نسبت به انقلاب و سرفروخت انقلاب در مردم بوجود نیاید و تاکنون بحمدالله هنوز در موارد بسیاری در مردم بی تفاوتی نیست... ما به گوشه و کنار مملکت مسافرت می‌کنیم، مردم را از نزدیک می‌بینیم و احساس می‌کنیم که چطور شور و هیجان انقلابی در این مردم هنوز زنده است و ما مسئولیم. ما مسئولیم که از این شور و هیجان استفاده کنیم. مائیم که باید در داخل مملکت و در سطح جهانی این شور و انقلاب را بکار بگیریم...» وی سپس به تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی علیه انقلاب ایران و استفاده بعضی از مطبوعات و رسانه‌های گروهی داخل کشور از آنها اشاره کرد و گفت: «وضع تبلیغات جهانی علیه ما روز به روز شدیدتر میشود. این کنار مملکت مسافرت می‌کنیم، مردم را از نزدیک می‌بینیم و احساس می‌کنیم که چطور شور و هیجان انقلابی در این مردم هنوز زنده است و ما مسئولیم. ما مسئولیم که از این شور و هیجان استفاده کنیم. مائیم که باید در داخل مملکت و در سطح جهانی این شور و انقلاب را بکار بگیریم...»

زمانی که حرکت خروشان توده‌ها، بساط خیانت دودمان پهلوی و خدایگان آن، امپریالیسم امریکا را از سر راه رویداد برآسمان انقلاب، ستارگانی پدیدار شدند، که پاسداران انقلاب اسلامی، نام گرفتند. سپاه پاسداران، که از درون شعله‌های انقلاب سر برکنشیده بود، وظیفه حراست از انقلاب را بر دوش گرفت و این دورانی بود که ضدانقلاب به سوراخ‌خاخیزی و در کمین فرصت بود، تا حمله مجدد خود را بر صف متحد توده‌های مردم سازمان دهد و انقلاب را، که با پیگیری خویش و مجروح و داغدار، هنوز کام‌های خود را بر زمین محکم نکرده بودند، به خاک و خون کشد. هر مرکز اختفای ضدانقلاب، کانون توطئه‌ای بود علیه انقلاب، و این مراکز یکی و دوتا نبود، بلکه صدها و هزارها بود. از همین مراکز بود که هرسب ضدانقلاب، این گروگان زخم‌خورده، برای نقل و انتقال سلاح، برقراری پیوندها، رد و بدل اطلاعات و ضرب زدن به مردم انقلابی بحرکت درمی‌آمد، و هر کجا که با خطر پاسداران و کتیبه‌ها روبرو میشد، آنها را به رگبار گلوله می‌بست و این‌جان‌های جوان را بخون میکشید. سراسر کشور کمان این گروگان بی‌آزم بود پاسداران لذیذترین طعمه برایشان، زیرا که در پیشانی این جوانان از جان گذشته انقلابی آیه مرگ خود را می خواندند.

اما پاسداران بی‌هراس از خطری که روز و شب پیرامونشان چرخ می‌چرخد، با ایمانی بی‌خلل و اراده‌ای بی‌تزلزل، سلاح در دست، در سنگرهای خود از انقلاب دفاع قرار دهد. خیرگزاری پاکستانی از جمله در گزارش مشروح خود می‌نویسد: «عوامل چپ افراطی، از جمله حزب کمونیست توده، تلاش دارند پیوندهای حکومت‌های اسلامی ایران و پاکستان را برهم بزنند.» خیرگزاری پاکستانی مدعی میشود که تمام رادیو در دست کمونیست هاست (۱). بدین ترتیب رژیم ضیاءالحق نیز مانند شاه سابق و سادات و خائنین دیگر تلاش دارد که با زدن برچسب «کمونیست» بر هر مبارز ضد امپریالیستی، خوش خدمتی به اربابان آمریکائی را فراموش نکند.

کردند و سراسر کشور را کام یکام در جستجوی مردابهای غن ضدانقلاب کاویدند و کاویدند و آنها را گروه گروه تحویل کتیبه‌ها دادند. سپاه پاسداران در سنگر حفظ انقلاب بخون نعلنند و فردای آرزو گروه دیگری از جوانان پاسدار در سنگر آنان جای‌نگیرند. هر گوشه‌ای که ضد انقلاب آتش‌افروزی کرد، پاسدار به مقابله با ضدانقلاب شتافت. در کردستان، در گنبد، در خوزستان، در بلوچستان... پاسداران با سلاح‌های خود در برابر ضدانقلاب موضع گرفتند و سینۀ خود را سپر دفاع از انقلاب کردند. هر شهروندی که مورد تعدی قرار گرفت، برادر پاسدار را در کنار خود دید، و هر دهقانی که مورد هجوم ارباب بود، سلاح پاسدار به دفاع از او آمد. نقش پاسداران بویژه در روستاها و حمایت آنان از دهقانان زحمتکش، درخشان بوده است، و هم‌اکنون که نفوذالهای اتکل برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی به روستاها هجوم برده و حتی اسلحه بسروی دهقانان کشیده‌اند، نقش برادران پاسدار و مبارزه آنان علیه نفوذالها، فرالواقع شایان تحسین است.

ساواکی‌ها صفحه ۲

نقش رهبری مائوئیستی چین در توطئه‌های امپریالیسم امریکاعلیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران صفحه ۳

هر کلام نسنجیده میتواند مانند تیری بر قلب وحدت خلق بنشیند صفحه ۳

کارگران اداره بندریوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می‌فروشند صفحه ۴

ما از انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را می‌خواهیم صفحه ۴

گزارشی از وضع دهقانان اطراف اراک صفحه ۵

بازار طاغوتی مانده، باید تصفیه شود

امام خمینی در دیدار عصر چهارشنبه هشتمیور با کارکنان موسسه اطلاعات، یک مسئله بسیار مهم از نظر تئیت و تحقیق پیروزی انقلاب اشاره کردند. امام خمینی گفتند: «باید بازار تصفیه بشود... بازار از آن بازار طاغوتی دریاید، یک بازاری که موافق احکام اسلام است، اداره بشود...» اشاره امام خمینی به تصفیه بازار و طاغوت‌زدایی در آن، اشاره‌ای نیست که دفعه اول بعمل آمده باشد. امام خمینی در سخنرانیها و رهنمودهای قبلی خود نیز بدفعات به این مسئله مهم از نظر تئیت و تمییس پیروزیهای انقلاب اشاره کرده‌اند، اما اکنون اظهار صریح امام خمینی درباره تصفیه بازار اشاره خاصی است، و معنی و مفهوم بسیار جدی و اساسی دارد. می‌توان گفت که این بار امام خمینی هستند، که با دوربینی و زرف‌نگری خود، افکار عمومی و نظر مسئولین جمهوری اسلامی را بخطر جدی برای سلامت و بقای انقلاب جلب کرده و رفع فوری و قاطع این خطر را گوشزد می‌کنند. به‌بیتیم تذکر و زرف‌نگری امام خمینی در مورد ضرورت تصفیه بازار و طاغوت‌زدایی در آن، بر چه پایه و اساسی استوار است؟

قبل از ورود به بحث، بیجاست بازار را به‌شناسیم و ترکیب اقتصادی-اجتماعی آن را از نظر بگذرانیم: در وهله نخست چنین بنظر میرسد که بازار طیف همگونی مرکب از بازرگانان و پیشه‌وران کم و بیش هم‌طراز را تشکیل میدهد، که منافع اقتصادی-اجتماعی مشترکی دارند. چنین تصویری، اگر در زمانهای قدیم و هنگامیکه بازار مرکز مبادله کالاها تولیدی در داخل کشور و مجتمع پیشه‌وران سنتی بود، مقرون باوقیعت باشد، لیکن از دوران تسلط استعمار و بویژه امپریالیسم بر ایران، رفته‌رفته بکلی اسالت خود را از دست داده است. واقیعت عبارت از اینست که، بازار ایران، حتی قبل از انقلاب مشروطه، از صورت طیفی همگون و دارای سرفروخت مشترک در آمد و تحت یک مفهوم، دو بازار بوجود آمد: یک بازار که از نظر اقتصادی ضعیف، ولی از نظر اجتماعی کنترالنده بود، همان اصالت اولیه خود را در واسطه‌بودن در مبادله کالاها تولیدی در داخل کشور و تأمین نیازمندیهای مردم به کالاها صنعتی تولیدی در داخل حفظ کرد. بازار دوم، که از نظر اقتصادی رو به فریه شدن گذاشت و قشر محدود و معدودی را در بر می‌گرفت، اصالت خود را از دست‌داد و بتدریج عهده‌دار ایفای نقش دلالی فروش کالاها خارجی گردید. می‌توان بصراحت گفت که بازار اخیر، بویژه در طی یک قرن اخیر، رفته رفته نقش عمده‌تری در اسارت اقتصادی-سیاسی و عقب‌ماندگی اجتماعی ایران ایفا کرده و میکند. تقسیم بازار به دو قشر متمایز از هم: بازرگانان متوسط الحال، اصناف و پیشه‌وران مرتبط با امر مبادله و تولید داخلی از یکطرف، معدودی بازرگانان و بازاریان عمده‌ای که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را در بقیه در صفحه ۳

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بازار طاغوتی مانده...

بقیه از صفحه ۱

بازار ایران بدست گرفتند و از آنها بنام «بازرگانان کبیرادور» نام برده می‌شود، از جانب دیگر، باعث شد که اینان در نقش متفاوت در جریانات انقلابی در کشور ما ایفا کنند. در حالیکه اقتدار اولی همیشه در کنار مردم بوده و با آنان در مبارزات ضدامپریالیستی موضع و سرنوشت مشترک داشته‌اند، قشر دوم، همیشه در کنار مرتجعین داخلی و نیروهای امپریالیستی قرار گرفته و از اردوی ضدانقلاب سر درآورده است. این قاعده کلی در تمام جریانات انقلابی و مبارزات مردمی و ضد امپریالیستی، از انقلاب مشروطه گرفته تا لحظه کنونی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران، بوضوح تمام صحت خود را نشان داده و می‌دهد.

در جریان انقلاب مشروطه، در حالیکه بازرگانان متوسط، اصناف و پیشه‌وران زحمتکش در صف انقلاب جای داشتند، بازرگانان عمده‌ای که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را به پهنه گرفته بودند و از معین همکاری با امپریالیسم و هموار ساختن نفوذ آن بدرون اقتصاد ملی کسب درآمد می‌کردند، ابتدا در پوشش «ملک-التجار» سعی در انحراف انقلاب کردند و سپس به حمایت علنی از ضدانقلاب محمدعلی‌شاهی برخاستند. در دوران ملی شدن صنایع نفت، همین روش به شکل تازمات تکرار شد. در حالیکه بازاریان متوسط - الحال، اصناف و پیشه‌وران خواستار تشدید مبارزات ضدامپریالیستی و مبارزه قاطعانه علیه فئودالیسم و رژیم دست‌نشانده سلطنتی بودند، قشر سرمایه‌داران عمده در بازار، بوسائل گوناگون، که استفاده از تجربه احتکار و گران و کمیابی را دربر می‌گرفت و به اختلال علنی در امر بازرگانی خارجی و داخلی منتهی می‌گردید، موجبات رکود اقتصادی و عدم رضایت از دولت دکتر مصدق را فراهم آوردند و بالاخره هم آشکارا در صف تدارک‌کنندگان کودتای خائنانه ۲۸ مرداد جای گرفتند.

یکی از عوامل عمده شکست جنبش ملی شدن نفت، اختلال بازرگانان عمده وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی بود، که ابتدا توانست خود را در پوشش‌چانداری از جنبش پنهان کند و بدینوسیله خود را از زیر ضربه خارج سازد، و بعد موفق شد که با استفاده از مواضع اقتصادی و قدرت مالی خویش، به جنبش ملی شدن نفت ضربه وارد آورد.

در جریان تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران تا مرحله کنونی نیز بازار همان نقش دوگانه سنتی خود را حفظ کرده است، با این تفاوت که به قدرت اقتصادی و مالی بازرگانان عمده‌ای که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را در اقتصاد ایران به پهنه دارند، برآفت افزوده شده است.

بورژوازی عمده تجاری ایران طی سالهای رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران، که بویژه دوران ربع قرن اخیر پس از کودتای ۲۸ مرداد را دربر می‌گیرد، بموازات و حتی بیش از اقتدار دیگر سرمایه‌داران طاغوتی از نظر قدرت اقتصادی و مالی فرجه شدند. دلیل آن نیز واضح است:

سیاست رژیم خائن وابسته به امپریالیسم، ایجاد جامعه مصرفی وابسته به سرمایه‌داری جهانی در ایران بود، تا درآمد نفت پسولت بیشتری غارت شود. این نیز سرازیری سیل بنیان‌کنی از واردات کالاهای خارجی را به بازار ایران ایجاد می‌کرد، که عاملین آن همان بازرگانان عمده بودند، که قدرت اقتصادی و مالی آنان با کمپادورهای زمان انقلاب مشروطه و یا دوره ملی شدن نفت، از زمین تا آسمان تفاوت پیدا کرده بود.

تنها بیان یک رقم در مورد حجم واردات کالا به کشور، بیانگر آنست که این تفاوت به چه میزان عظیمی

ببود سرمایه‌های بزرگ تجاری تغییر یافته است. میزان واردات کالا در دوره انقلاب مشروطه به پنج میلیون دلار در سال بالغ می‌شد. در دوران جنبش ملی شدن نفت، حجم واردات کالا از خارج بزحمت به رقم دو بیست تا سیصد میلیون دلار می‌رسید. در سالهای آخر عمر رژیم شاه سابق، حجم واردات کشور به رقم نجومی ۱۶ تا ۱۸ میلیارد دلار بالغ گردید.

چنانکه می‌بینیم، تفاوت قدرت اقتصادی و مالی بازرگانان عمده در مقایسه با ادوار گذشته تفاوتی فاحش در جهت تقویت بیش از پیش مواضع اینان در اقتصاد کشور بوده است.

در دوران انقلاب مشروطه، بازرگانان عمده، واردات چند فله کالا، نظیر پارچه و قند و چای را به دست داشتند، و معذک در دعوی مردم و ضدانقلاب، جانب ضدانقلاب را گرفتند. اکنون واردات دهها هزار کالاهای متنوع، از پارچه و چای گسسته تا یخچال و تلویزیون و اتومبیل، از سوزن‌خیالی گرفته تا تراکتور و ماشینهای بزرگ جاده صاف کن، از اجناس لوکس، که در کمتر کشوری خریدار دارد، تا متنوع‌ترین کالاهای موجود در بازار جهانی سرمایه‌داری، در دست بازرگانان عمده متمرکز است.

اینچاد دیگری ما نه فقط با قشر سرمایه‌داران وابسته‌ای که خود را زیر پوشش بازار و بازاری به معنی عام کلمه جا می‌زنند، بلکه با قشر عظیمی که دیگر هیچ ارتباطی با مبادله در داخل کشور ندارد و فقط با تشکیل مراکز تجاری عمده و بورس کالا و سرمایه، میلیارد میلیارد منفعت به جیب می‌زند، سروکار داریم.

آنچه به آن بازار طاغوتی گفته می‌شود، و اشاره مستقیم امام خمینی نیز متوجه پاکسازی و طاغوت‌زدایی در آنست، همین به اصطلاح بازار اخیر، مرکب از عمده‌ترین سرمایه‌داران وابسته است، که نام «بازرگان» به خود گذاشته و مهم‌ترین اهرم اقتصادی کشور، بازرگانی خارجی و توزیع عمده، فروشی کالا را در دست خود متمرکز ساخته‌اند. امروز تنها بخش کوچکی از اینان را می‌توان در داخل بازار، به معنی قدیمی آن، دید. بخش عمده‌تر اینان، در شرکت‌های بزرگ بازرگانی، با صدها و هزارها نام گوناگون در مهم‌ترین و عالی‌ترین عمارات تهران جا گرفته‌اند. در دشت داشتن سرمایه‌های میلیاردی، مدرن‌ترین ابزار بازرگانی، شبکه ارتباطی داخلی و خارجی، سیستم توزیع عمده، مرکب از انبار-های بازرگانی در سراسر کشور و بورس کالا و سرمایه ابزار کار اینان است، که میتوان گفت حساس‌ترین رگ اقتصاد ملی، بازرگانی خارجی و داخلی را زیر شمشیر تمایلات آزمندانه کسب سودهای گزاف به سود خود و ارتباطات خود با بازار و سرمایه‌های امپریالیستی باقی نگاه داشته‌اند. قشری از دلالان و کار-گزاران خارجی و داخلی، محتکران و سودجویان دست دوم نیز ابزار کار اجتماعی این قشر را تشکیل می‌دهد.

وقتی صحبت از بازار طاغوتی به میان می‌آید، منظور چنین بازاری است، که همانطور که امام خمینی گفته‌اند، تا بحال توانسته خود را از تصفیه مصون بدارد و همچنان طاغوتی باقی بماند.

اشاره‌ای که به مواضع بازرگانان عمده یا بورژوازی کمپادور در اقتصاد کنونی کردیم، بوضوح نشان می‌دهد که، این قشر به اصطلاح طاغوتی بازار، از چه نیروی تخریبی عظیمی برخوردار است و چگونه قادر است با اختلال در امور بازرگانی، ضربه مهلک به مواضع انقلاب وارد آورد.

خطری که از جانب بورژوازی کمپادور و یا بازرگانان دلال کالا و سرمایه خارجی در اقتصاد ایران متوجه انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی است، خطری است به معنی واقعی کلمه مهلک و جدی. اگر امام خمینی در مورد این خطر هشدار می‌دهند، باید گفت که

این هشدار زاینده عمق خطر و ژرف‌نگری نسبت به مسائل حیاتی انقلاب و درک ضرورت تأخیرناپذیری است که، مبارزه قاطع علیه یکی از پایگاه‌های عمده امپریالیسم، ارتجاع و ضدانقلاب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تذکر امام خمینی درباره لزوم تصفیه بازار و طاغوت‌زدایی در آن، دلائل اساسی و معتبر دارد. واقعیت اینست که بازرگانان عمده وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی، که در جریان تدارک و تکوین و سپس پیروزی انقلاب خود را زیر پوشش بازار طرفدار انقلاب، یعنی پشت‌سر بازرگانان متوسط الحال، اصناف و پیشه‌وران مومن به مبارزه ضدامپریالیستی، استقلال‌طلبانه و خلقی جا زده بودند، و حداقل با ماسک لیبرالیستی، خود را یار انقلاب معرفی می‌کردند، در مدتی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، نه فقط از نظر اقتصادی، بلکه حتی از نظر سیاسی به مخالفت با انقلاب برخاسته‌اند. اینان رفته رفته آشکارتر در کنار ضدانقلاب عرض‌انداز می‌کنند.

بحقایی مربوط به این وضع توجه کنید:

بلافاصله پس از انقلاب، و بخصوص پس از کنار گذاشتن دولت کام بکام، موازی با آغاز محاصره اقتصادی و قطع رابطه بازرگانی از جانب آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، بازرگانان عمده دلال خارجی حربه‌های احتکار، گران، کمبود کالا و ایجاد اختلال در توزیع را آشکارا بکار گرفتند. جامعه انقلابی ایران هم‌اکنون با نتایج فوق‌العاده زیان‌بار اقدامات اقتصادی بازرگانان عمده علیه انقلاب مواجه است، که آثار آن بصورت وقفه در کار موسسات تولیدی، بعلت نبودن مواد خام و وسائل یدکی، و عدم رضایت‌شدید مصرف‌کننده از گران و نایابی کالاهای مورد مصرف عموم در برابر چشم همگان قرار دارد.

کشوری که تا وقوع انقلاب دهها میلیارد دلار کالا ذخیره داشت و بنادر و انبارها و راه‌های آن طاقت حمل آنهمه واردات را نداشت، در نتیجه کارشکنی بازرگانان عمده و وابسته به امپریالیسم، به یکباره در مدت کوتاهی پس از انقلاب، با کمبود کالا، آنهم در همه زمینه‌ها مواجه شده است. آیا واقعا کالاهای رسیده همه مصرف شده است، که چنین چیزی امکان‌ناپذیر نیست. با ذخیره کالایی که کشور از آن اشباع شده بود، و این خود یکی از علل عمده نابسامانی اقتصادی قبل از وقوع انقلاب بشمار میرفت، اقتصاد کشور مسا می‌توانست، ولو واردات کالا بکلی قطع میشد، مدت‌ها به حیات طبیعی خود ادامه دهد. گران و کمیابی کالا، اگر خرابکاری دربرین نمی‌بود، کاملا مهارشده بود و بی‌کاری می‌توانست مقیاس به مراتب محدودتری داشته باشد و سریعتر مرتفع گردد.

یکی از عوامل اساسی ایجاد گران سرسام‌آور، کمیابی مصنوعی کالا و بی‌کاری را در دوران پس از پیروزی انقلاب باید حمله اقتصادی بورژوازی کمپادور-بازرگانان عمده به مواضع انقلاب دانست.

احتکار کالا در انبارها، خودداری از فروش کالاهای رسیده، نقل و انتقالات خرابکارانه عمدی در امر توزیع مواد مصرفی و ابزار تولید، اقدامات آشکارا خرابکارانه‌ای هستند که بدست سرمایه‌داران عمده صورت گرفته و می‌گیرند. بازرگانان عمده همچنین از عوامل عمده در لغو سفارشات داده شده بخارج، خودداری از وارد کردن کالاهای خریداری شده از خارج بداخل کشور و جا-بجائی مبالغه‌عظیم ارز از داخل بخارج بوده‌اند. بازرگانان عمده، از صدها طرق مرئی و نامرئی، برای حمله به مواضع اقتصاد ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب استفاده کرده و میکنند.

متأسفانه دولت انقلاب تاکنون نتوانسته است اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را به اجرا بگذارد. مانع عمده در اینکار، قشر ذینفوذ بازرگانان وابسته است، که نه فقط مواضع اقتصادی و مالی خود را در بازرگانی خارجی و تجارت عمده در داخل کشور حفظ کرده، بلکه

در سازمانهای اجرایی انقلاب در زمینه تصمیمات مالی، بازرگانی، بانکی و نظیر آن نیز اعمال نفوذ میکند. لیکن کار بازرگانان عمده وابسته به امپریالیسم و مرتبط با عمده‌ترین اقشار سرمایه‌داری و زمینداری بزرگ، تنها به اختلال و خرابکاری اقتصادی علیه انقلاب ایران ختمه نمی‌یابد. صحبت بر سر اینست که بورژوازی کمپادور ایران از مدتی به اینطرف آشکارا به حملات سیاسی علیه انقلاب ایران پرداخته و بی‌باکانه در صف ضدانقلاب قرار گرفته است.

در مورد اخیر لازم نیست، به شرکت‌علنی بازرگانان عمده در اذربایجان، در حوادث خونینی که به سرمداری حزب جمهوری خلق مسلمان تدارک دیده شد، اشاره کنیم. حوادث مربوط به تدارک کودتای آمریکائی ۱۸ تیرماه، مدارک زنده‌تری از شرکت مستقیم بازرگانان عمده، یا چنانکه امام خمینی می‌گویند، بازاریان طاغوتی، در توطئه علیه موجودیت جمهوری اسلامی به دست‌داده و می‌دهند. این مطلب بسیار جالب است که شاخه‌سیاسی کودتا را «حمید شمال فرزند سید قتی» که یکی از بازاریان معروف است، رهبری می‌کرده است. همینطور چگونه از روی این خبر می‌توان گذشت که، هفته گذشته، شش نفر بازاری در اصفهان، با تمام رابطه با کودتای تیرماه دستگیر شدند.

در توضیحی که بمنظور معرفی بازرگانان اخیر داده شده، از شش بازرگانی که در اصفهان به اتهام رابطه با کودتا دستگیر شده‌اند، «دوفرشان دست‌اندر کار ساختمان یکی از بیمارستانهای خیریه اصفهان بوده‌اند، یکی از آنها از تجار معروف چای و دیگری تاجری بوده، که قبلا در تجارت قماش و اخیرا کارش بساز و بفروشی بوده است».

همین معرفی‌نامه گواه بر آنست که چگونه بازرگانان عمده وابسته به کالا و سرمایه خارجی، حتی در پوشش‌خیرخواهی، به شرکت علنی در تدارک کودتای مرگبار امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

نظر به ضرورت‌های تعمیق مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی در کشور ما، صف انقلاب و ضدانقلاب رفته رفته آشکارتر در برابر هم قرار می‌گیرد. در حالیکه بازرگانان متوسط الحال و اصناف و پیشه‌وران زحمتکش ایران رفته رفته بصورت پایدارتری در جبهه انقلاب قرار می‌گیرند و متوجه میشوند که کمال منافع آنان نیز، مانند منافع همه خلق، بسته به پیروزی تأمین انقلاب، قطع و قطع تسلط امپریالیسم و ضدانقلاب و ریشه کن کردن تسلط سرمایه‌های وابسته بازرگانی و زمین‌داری بزرگ از اقتصاد ایران است، در همان حال بازرگانان عمده وابسته به امپریالیسم بیش از پیش منافع غارتگرانه خود را در خطر می‌بینند و در جبهه ضدانقلاب قرا می‌گیرند.

امر اخیر تصادفی نیست. واقعیت هم همین است که در ایران مستقل و آزادی که باید ثمره انقلاب باشد، بورژوازی کمپادوری که از قبل مکیدن خون اقتصاد ملی و غارت دسترین زحمتکشان بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی از تراق می‌کند، محلی از اعراب ندارد. این بورژوازی باید جای خود را به دستگاه منسجم و مجبزی بدهد که بازرگانی خارجی و توزیع عمده کالا در داخل را بسود منافع اقتصاد ملی و بهبود معیشت عمومی در دست دولت انقلاب متمرکز سازد.

بازار طاغوتی باید تصفیه شود. این خطاب امام خمینی بدان معنی است که تا دیر نشده و سرمایه‌داری کمپادوری وابسته ضربات جدی‌تری به مواضع انقلاب وارد ساخته است، دولت انقلاب باید برای رفع خطر و سلب قدرت اقتصادی - سیاسی از بازاریان طاغوتی اقدامات عاجل و جدی بعمل آورد. بی‌تفاوت ماندن و سرمایه‌داری بازرگانی وابسته را در مواضع اقتصادی و سیاسی فعلی باقی گذاشتن، مار در آستین انقلاب پروراندن است.

هدف امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱

بیابند، «دلیل» پیدا کنند که، اگر «گروگان»ها را تحویل ندهیم، آمریکا چنین و چنان خواهد کرد و بشتابید تا فرصت فوت نشده است!

امام خمینی در موقع خود پاسخ این آقایان را داده بود که «آمریکاهنج غلطی نمیتواند بکند» و اخیرا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و مجلس شورای اسلامی نیز با یکسلسله اظهارات محکم خود به این «ناصحان خردمند» پاسخهای لازم را گفته‌اند.

حجت الاسلام خامنه‌ای:

بقیه از صفحه ۱

رادیوهی بیگانه، این روزنامه‌ها و مجلاتی که در خارج از این کشور منتشر میشود، نسبت به اوضاع و احوال ایران آنچنان نقش‌مودیانه‌ای را تعقیب می‌کنند که انسان

باین ترتیب، امپریالیسم آمریکا با موج جدید تدارک نظامی خود علیه ایران، که برای آن صدها میلیون دلار خرج می‌کند، چند هدف اساسی را دنبال می‌کند:

- ۱- تحکیم مواضع دیپلماتیک و نظامی خود در جهان و منطقه، مواضعی که انقلاب ایران آنرا سخت متزلزل کرده است، تا بحران بسط نیابد و منطقه از دست نرود؛
- ۲- تقویت روحی ضدانقلاب در ایران و ایجاد فضای مساعد به «گروگانها»؛
- ۳- و در صورت داشتن شانس برای موفقیت، توسل به اقدامات

نظامی محدود یا وسیع، پیوسته سود سازشکاران درمشله تحویل برای پشتیبانی از ضدانقلاب داخلی و نه دخالت مستقیم، برای بر-اندازی جمهوری اسلامی ایران و وجود اتحاد شوروی در همسایگی ایران بدون شك عامل معتبری است که امکان ماجراجویی مستقیم نظامی آمریکا را محدود می‌سازد. ولی این بدان معنی نیست که کاش سفید و پتاکون و سیا ممکن نیست به چنین ماجراجویی جنون‌آمیزی دست زنند. مگر در عملیات «نور آبی» دو طیس، بدان دست زده‌اند؟ از امپریالیسم آمریکا توقع رفتار خردمندانه

داشتن خطاست. لذا آژیر، هشدارو آماده‌باش در این زمینه مانند آب و هوا لازم است و درواقع باید سراپای خلق را در حال گوش‌بزنگی و آمادگی روحی فداکاری نگاه داشت و حتی ناسیه‌ای آرام در عین حال انجذاب به خطر نظامی ما را ایداً نباید از خطرات سیاسی منصرف و منحرف کند. وقتی از جانب عناصر و گروه‌های معینی تلاش همه‌جانبه‌ای برای به اصطلاح حل «مشکل گروگانها» بعمل می‌آید، این مسئله ایداً

تصادفی نیست، از بدبختی، این آقایان با رهبر قاطع و آشتی-ناپذیری مانند امام خمینی روبرو هستند که اشکهای تصاح، تهدید و تحجیب در وجودش مورت نیست. لذا در قبال دور جدید توطئه امپریالیستی، شعار خلقی «سه سازش، نه تسلیم، نیردیا آمریکاه» کماکان شعاری است بسیار با محتوی.

● انقلاب را باید از شکست نجات داد!

● انقلاب را باید از انحراف و بلامحتوی شدن نجات داد!

● دریک مورد باید قهرمان مجبور بود و در مورد دیگر سیاستمدار

زیرک و عنود، و این مختصات را تنها از امام خمینی نباید چشم داشت، این مختصات باید از آن همه زمامداران جمهوری اسلامی و همه مردم شود، تا برنگی مبارزه افزایش یابد.

شعبده‌باز بزرگ امپریالیستی با انبانی از تجارب شیطانی بر دوش، این بار با کل تجویزات به میدان آمده است. لازمه شکست او وحدت همه نیروها، شکل‌گیری همه نهادهای جلوگیری از تحریکات ضددمکراتیک و تفرقه‌افکن تحت عناوین «چپ» یا «اسلامی» است. هیچگونه غفلتی را قاریغ نخواهد بخشید.

توجه!

مقالات زیر، که در هفته پیش در نامه «مردم» بچاپ رسیده است، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- به مسئولان وزارت آموزش و پرورش هشدار میدهم (شماره ۳۲۴)

- رفیق کیانوری: پیشنهاد میشود یک کنکره تفاهم ملی از همه نیرو-های، که آماده‌اند از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند، تشکیل گردد (شماره ۳۲۵)

نقاط مرزی کشور، گفت:

«برادران پاسدار البته گلاویه‌هایی دارند. معتقدند که آنها پشتیبانی لازم نمیشوند. اگر چنین است، واقعا از لحاظ تجویزات و سلاح و مهمات بچه‌های ما، این پاسداران جان پر کف اگر پشتیبانی نمیشوند، مسئولین باید بدانند که امام و امت مایلند که سپاه پاسداران، به بهترین نحو تجویز و پشتیبانی شوند».

آنها و حرفهای آنها منتقل شود به داخل ایران، همان حرفها سر زبان مردم بیفتد. مردم هم دچار تردیدشوند. اما مردم و مسئولان امر مقاومت می‌کنند».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای دریایان خطبه نماز جمعه ضمن اشاره به جانبازی دلورانه پاسداران انقلاب و ارتشیان دلیر جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب در

ضمن اشاره به تبلیغات امپریالیستی علیه کابینه جدید ایران گفت:

«انگلیستان و روزنامه‌هایش، دولت فرانسه مستکبر و مطبوعات و خبرگزاریهایش، آمریکا و اسرائیل و ایادی و عاملان اگر نسبت به این کابینه اظهار تردید میکنند، دلشان پحال ما و ایران و این کابینه قطعا نسوخته. اینها میخواهند بلکه کاری کنند افکار

شکستزده میشود. اما من می-خواهم خواهش کنم از روزنامه‌های خودمان، از بعضی از روزنامه‌های خودمان، از بعضی از دست‌اندر-کاران خودمان، از بعضی از مسئولین و مردم معمولی که آنها دیگر اسیر تبلیغات روزنامه‌های خارجی نباشند، آنها دیگر این حرفها را تکرار نکنند.

امام جمعه تهران، در قسمتی دیگر از خطبه نماز جمعه خود،

ساواکی ها

در دوران پس از انقلاب شاید هیچ کلمه ای باندازه کلمه «ساواکی» در رسانه های گروهی و مطبوعات ما بکار نرفته است. خاطره تلخی که ساواک و «ساواکی» در ذهن مردم ما برمی انگیزد، از خاطره مرگ فرزند در دل مادر تلختر و سنگینتر است. بیست و چند سال این سازمان جنمی بهترین فرزندان این آب و خاک را به کشتارگاه فرستاد.

ساواک پیش از آنکه سازمان حافظ تاج و تخت شاه خائن باشد، پلیس سیاسی امپریالیسم در خاک میهن ما بود.

ساواکی ها در آمریکا تربیت میشدند، در انگلستان طرز شکنجه را می آموختند، در اسرائیل شیوه مبارزه با گروه های مسلح سیاسی را یاد می گرفتند، و آنوقت آنچه را آموخته بودند، بفتح امپریالیسم در ایران بکار می بستند. ساواکی ها در برابر این «خدمتگزاران» حقوق و مزایای زیادی داشتند که با هیچیک از موسسات دیگر، حتی ارتش مزدور شاهنشاهی قابل قیاس نبود. پول در دست ساواکی ها واقعا «علف خرس» بود، چه پولی که برای خودشان خرج می کردند و چه برای «کار» بسود اروپائیان.

مقصود از ساواکی تنها کارمند رسمی «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» نیست. مقصود، همچنین کسانی هستند که از طریق همکاری با ساواک ثروت فراوان اندوخته اند و اکنون در فلان شرکت خصوصی یا در بازار به شغل «آبرومندی» مشغولند. ساواک طی مدت بیست و چند سالی که وجود داشت، هزاران سرمایه دار و ملاک و غیره آفرید. نه تنها در سیاست، بلکه همچنین در اقتصاد کشور نیز هیچکس نمی توانست جز با همکاری ساواک یا از مرحله معینی فراتر نهد. تصدی مقامات اداری، از روسای شعبه گرفته تا نایب وزیر، جز با تصویب ساواک ممکن نبود.

تشخیص «ساواکی» ها در ادارات دولتی آسانتر بود. اما در بین سایر اقشار، بخصوص سرمایه داران، ملاکان و روحانی نمایان و روشنفکر نمایان، شناسایی ساواکی ها کاری دشوار و گاه حتی غیرممکن بود، زیرا ارتباط با اغلب آنان از طریق شخص ثالث صورت می گرفت و در لیست اسامی ساواکی ها، تنها از این شخص ثالث نام برده می شود. بدینسان باید دانست که «ساواکی» ها تنها کارمندان رسمی و منابع خیری و سخن چینان و سایر افرادی نیستند که با ساواک مستقیما همکاری می کردند. اینها مجموعه شبکه داخلی ساواک را تشکیل میدادند. شبکه خارجی ساواک، که اعضای شبکه داخلی زیر پوشش و به کمک آن فعالیت می کردند، برعکس وسیعتر بود. در هر توطئه بزرگی که پس از انقلاب کشف شده است (توطئه حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز، توطئه صداقت لایب در اصفهان، توطئه «نوزه» و توطئه اخیر در همدان) گروهی از سرمایه داران و روحانی نمایان و روشنفکر نمایان عضو شبکه خارجی ساواک شرکت داشتند.

شبکه داخلی و خارجی ساواک اکنون مهمترین پایگاه صداقت لایب در ایران تشکیل میدهد، که با انواع وسایل به پیشبرد اهداف صداقت لایب کمک میکند، زیرا بازگشت آنان بوضع سابق، که می چاییدند و خوش میگذرانند، تنها بشرط پیروزی صداقت لایب و استقرار حکومت دست نشانده امپریالیسم میسر است. اینست که ما در هر توطئه ای جای پای ساواکی را می بینیم. آنان بدون اعتنا بخطر که گه گاه آنها را تهدید میکند، در براندازی نظام جمهوری اسلامی میکوشند. پس امیدواری به اینکه آنها از منافع خودشان و آنچه امتیاز و برتری دست بردارند و «توبه» کنند، درست مثل آنست که ما از مردم مستضعف ایران بخواهیم که از دستاوردهای انقلاب خود صرف نظر کنند. بدانگونه که مردم آماده های با نثار خود از آزادی و استقلال کشورشان و حکومت مردمی خودشان در برابر خطر عظیمی چون مداخله نظامی آمریکا دفاع کنند، ساواکی ها نیز آماده اند برای ایجاد حکومتی که مزایا و برتری های سابق را به آنها بازگرداند، دست به هر جنایتی بزنند.

چیز یک ساواکی را، که بهر حال در شناخت منافع خود آدم خامی نیست، به ادامه مبارزه در راه بازگشت وضع سابق امیدوار میسازد؟ نخست کمک عظیمی که امپریالیستها بشبکه ضد انقلاب میکنند، ۵۰۰ میلیون دلاری که به شبکه «استفنی اعظم» اصفهان داده شده بود، یک قلم کوچک آنست. سپس باید از امکانات عظیم مادی صداقت لایب در داخل و خارج کشور نام برد. صداقت لایب فراری میلیاردها دلار بخارج منتقل کرده است و شبکه سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته به ساواک، که در داخل کشور به فعالیت مشغولست، هنوز میلیاردها تومان در اختیار دارد. ساواکی ها اکنون به کمک همین شبکه، زیر نامهای مختلف، صدها موسسه «عام المنفعه» باز کرده اند و از

اداره بهرین اطلاعات را در دسترس عمال امپریالیسم، که در سفارتخانه های غربی بعنوان دیپلمات و وابسته و غیره نشسته اند قرار میدهند و با مراکز صداقت لایب در خارج تماس میگیرند.

عامل دیگری که ساواکی ها را به ادامه فعالیت تخریبی خود امیدوار میکند، اهمال و غفلت مقامات دولتی در مبارزه موثر با ساواکی ها (بهمان معنا که در بالا نوشتیم) است. ما با مغرضان و خرابکارانی که سود دشمن عمل میکنند و بهر وسیله میخواهند ساواکی ها را زیر بال خود پناه دهند، کاری نداریم. ولی برخی از کسانی هم که نمیتوان در صداقت آنها تردید کرد، گمان میکنند که ساواکی هم یک انسان معمولی است که از طریق وعظ و تبلیغ میتوان او را به راه راست هدایت کرد. این خوشباوری تاکنون ضربات دردناکی بر انقلاب ما زده است. شما تنها به این نکته توجه کنید که ساواکی ها، بخصوص اعضای شبکه خارجی آنها، چگونه توانسته اند جو اتحادی را که در اوایل انقلاب بین تمام گروه های مردم وجود داشت، به جو کنونی، که موجب نگرانی برای تمام افراد صادق به انقلاب است، تبدیل کنند. ما دهها بار در همین روزنامه خودمان نوشتیم که در هر اختلاف و تصادمی که بین نیروهای مردمی روی داده و می دهد، ساواکی ها نقش موثر داشته اند. آنها اکنون نیز ما میتوانیم بجزایر بنگویم که هر جا کوچکترین اختلافی در جبهه خلق بوجود می آید، ساواکی ها میکوشند این اختلاف را عمیق تر سازند و به تصادمی آشتی ناپذیر تبدیل کنند. بعضی از این اختلافات را خود ساواکی ها می آفرینند و بعضی دیگر را که وجود دارد، ولی می توان با مذاکره و مباحثه حل کرد، به اختلافات حل نشدنی تبدیل می نمایند.

امروز بخشی از ساواکی ها ماسک «اسلامی» به صورت زده اند و بخشی دیگر نقاب «چپ افراطی» آنها از هر دو طرف بهانه ایجاد میکنند و مردم و نیروهای انقلابی را به درگیری میکشاند. البته مقصود ما این نیست که درگیرها تنها در راه تحریکات ساواکی انجام میگیرد. عناصر ناآگاهی باز از هر دو طرف هستند که دست به چنین اعمال صداقت لایب میزنند، که در این صورت نیز ساواکی ها با میل و رغبت به آنها کمک میکنند، زیرا نتیجه چنین اقداماتی بالمال بسود اهداف سیاسی آنان است.

خلاصه آنکه، دست و بال ساواکی ها آزاد است و با انواع وسایل، از بمب گذاری تا شایعه پراکنی، از سبب پاشی بر ضد نیروهای انقلابی تا هیویم بر مرکز سازمانهای سیاسی، از برقراری ارتباط بین شبکه داخلی و خارجی صداقت لایب تا شرکت در توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی به اروپایان امپریالیستی خودشان خدمت میکنند. خنثی کردن توطئه های صداقت لایب جز با قطع ایادی وابستگی رژیم سابق و در راس آنها ساواکی ها میسر نیست. ساواکی کارمند، ساواکی سرمایه دار، ساواکی مالک، ساواکی روحانی، ساواکی روشنفکر، ساواکی جدیدالاسلام، ساواکی «چپ» برنده ترین ابزار صداقت لایب، خونیاری انقلابی بنا حکم میکند که هر اقدام و هر سخن را، از ناحیه هر کسی می بینیم و یا می شنویم، دقیقا بسنجیم و از پشت سخنان ظاهر فریب، مضمون خطرناک آنرا کشف کنیم.

ساواکی ها تیغ دو دم صداقت لایبند. از یک سو به نیروهای انقلابی بنام حمایت از اسلام می تازند و از سوی دیگر به «آخوندها» بنام حمایت از ایران، و مقصود آنها از «اسلام» و «ایران» نیز روشن است. اسلامی و ایرانی که دیروز شاه مدعی حمایت از آن بود و امروز اسلامش سهم ملک خالد و ملک حسن و ملک حسین و سادات و ضیاءالحق شده است و ایرانش سهم شاپور بختیار و اوینی و پالیزیان!

اگر انقلاب دست ساواکی ها را نبندد و آزادی عمل را از آنان سلب نکند، ایران با مصائب بسزوتری، روبرو خواهد شد. نباید فراموش کرد که ساواکی ها دست پروردگان «سیا» و «موساد» هستند. و اینها بخوبی توانسته اند نه تنها از جمله جبهه واحد خلقی عرب را با همین تاکتیک های مزورانه متلاشی کنند، بلکه در داخل هر کشور عربی نیز، که قدم برخلاف منافع آنان بر میدارند، دهها گروه خرابکار و سیاسی غیره بترانند، تا مسیر سیاست آن کشور را به مجرای مطابق با میل صهیونیسم و امپریالیسم بچکانند و یا در اختلافات داخلی چنان درگیر شود، که عملا نتواند گامی در جهت مخالفت با امپریالیسم و صهیونیسم بردارد.

خنثی کردن شبکه ساواکی ها از طریق شناخت شیوه های عمل آنان و برقراری نظارت دقیق بر فعالیت آنان، بخصوص در این مرحله از انقلاب ما، که شکل های امپریالیسم آمریکا بر ضد ایران پیوسته توسط حادثه و خشن تری بخود میگیرد، حائز اهمیت طراز اول است و مسامحه و غفلت در این امر موجب پشیمانی عظیم.

نقش رهبری مائوئیستی چین در توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

طبق اسنادی که از بایگانی نمایندگان سابق دولت اسرائیل در تهران بدست آمده، معلوم شد که مأموران و عمال سازمان امنیت چین در تمام فعالیت های شبکه جاسوسی «سیا» و «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) که در ایران فعالیت داشته اند، شرکت داشته و با این دو سازمان جاسوسی همکاری میکرده اند.

پس از پیروزی انقلاب، سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل و چین شبکه های مخفی خود را تشکیل دادند و کارمندان حرفه ای این سازمانها مسئولیت سازماندهی، ایجاد ارتباط میان گروه های مختلف صداقت لایب، از ساواکیان و ارتشیان فراری و دیگر عناصر صداقت لایب در درون و خارج از کشور را بعهده گرفتند.

هفته نامه الکفاح العربیه، چاپ بیروت، درباره همکاریهای مأموران سازمان جاسوسی چین، «سیا» و «موساد» نوشت که: «این سازمانهای جاسوسی سعی دارند در میان صفوف هواداران آیت الله خمینی تفرقه و نفاق ایجاد کنند و زمینه عملیات ماجراجویانه و تحریک آمیز را فراهم سازند».

چندی پیش، در ارتباط با منع فعالیت و انحلال «جمعیت اسلامی» گروه های افغانی در مشهد، که علت آن شرکت این جمعیت و افراد وابسته به آن در خرید و فروش اسلحه و مواد مخدر و سرقت های مسلح بود، معلوم گردید که سران این «جمعیت اسلامی» با عوامل و مراکز آمریکائی نیز ارتباط دارند.

علاوه بر این معلوم شد که، اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه افغانی در ایالت پشاور پاکستان ارتباط دارند و سران و مسئولان اردوگاه افغانی در خراسان، دستورات و رهشودهایی را که از اردوگاه پشاور به آنها داده میشود، اجرا میکنند.

اردوگاه افغانی فراری در پشاور و دیگر این گونه اردوگاهها در خاک پاکستان، بوسیله مأموران عالی رتبه «سیا» و سازمان امنیت چین و مستشاران نظامی آمریکا و چین و پاکستان اداره میشوند. پس ارتباط اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه پشاور در پاکستان وسیله دیگری برای همکاری مأموران سیا و سازمان امنیت چین در ایران و ارتباط آنها با عناصر و گروه های صداقت لایب در داخل ایران است.

جنبه دیگر فعالیت های چین علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاریهای نظامی آن با امپریالیسم آمریکا و همکاریهای نظامی چین با کشورها و رژیم های دست نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که مستقیما در توطئه ها و طرح های مداخله نظامی آمریکا علیه ایران بنظور براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت دارند. اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و پاکستان کشورهایی هستند که به سر پل تجاوز علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه و کانون توطئه و تمرکز نیروهای صداقت لایب علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده اند.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، سیل تسلیحات آمریکائی به این کشورها سرازیر شده و کمک های نظامی آمریکا به آنها افزایش یافته است. چین نیز همکاریهای نظامی و کمک های تسلیحاتی خود را به این کشورها گسترش داده و از این راه در تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه شرکت می کند.

چندی پیش، دولت چین قراردادی برای خرید

«ما باید روابط خود را با چین وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را میتوانیم از آنها یاد بگیریم!» (اطلاعات، ۹ تیر ۵۹)

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران می باید بر اساس خصومت چین با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شرکت چین در توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مناسبات جمهوری اسلامی ایران را با این کشور تنظیم کنند.

هر کلام نسنجیده میتواند مانند تیری بر قلب وحدت خلق بنشیند

فاسیال شده است. مهاجمین بعد از سوء قصد موفق به فرار می شوند و تاکنون شناسائی نشده اند.

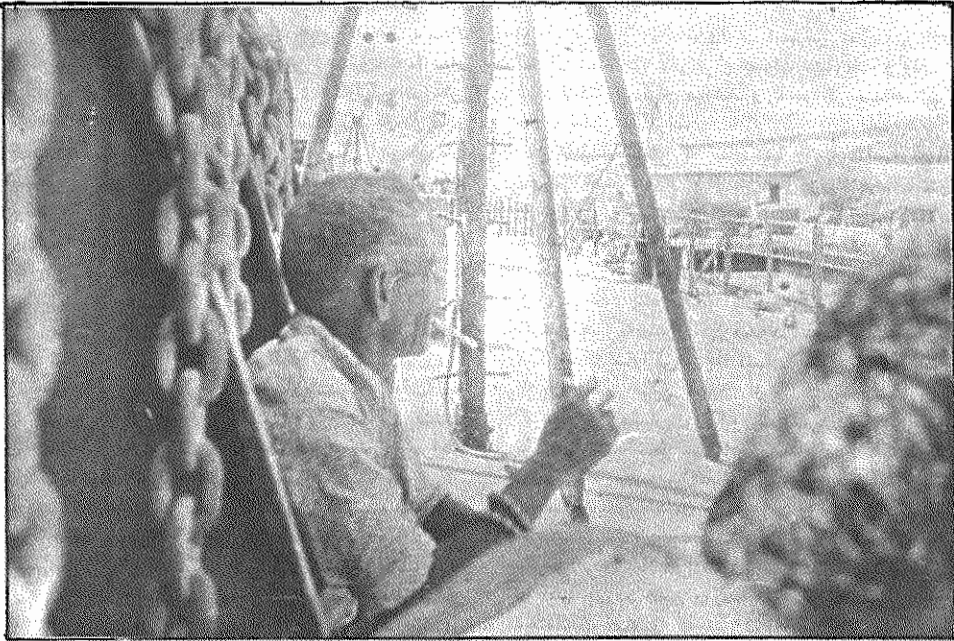
جریان این حادثه از آنجا شروع می شود که، آقای محلاتی، روحانی ده، بجای آنکه منا دی وحدت عمل و کلمه باشد همه آتشها و قلمها را به سوی شیطان - بزرگ آمریکا روانه کند، می کوشد یک جلسه مناظره در مسجد روستا برگزار کند و روستا نشینان را دعوت به شرکت در آن می کند. رفیق دبستانی ضیاوری و دیگر رفقا و هواداران حزب ما تشکیل چنین مناظره ای را به هنگامی که با بیدر برابر تهدیدهای خطرناک امپریالیسم آمریکا به حد اکثر هشیار بود و متحدان توطئه های صداقت لایب را عقیم گذاشت، موجب بیاری ایجاد تفرقه دادند و او را لی رادعوت به اتحاد و حفظ یکبارگی در برابر برتجاج امپریالیسم کردند. ساعاتی بعد از نیمه شب دونفر از عنان صرتحرک شده، مسلحانه به منزل این رفیق حمله بردند و ویرا بقه در صفحه ۶

در ساعت ۳ با مداد دروز ۲۳ مرداد ماه ۵۹ دونفر از عنان صرتحرک شده، مسلحانه به یکی از ساکنین روستای ضیاور، از توابع صومعه سرا، حمله ور شدند و وی را با ضرب گلوله به شدت مجروح ساختند. این حادثه به دنبال تعبیرنا درست این عنان صرتحرک از یکی از مسکعات مسئول کشور که از صداقت لایب جمهوری اسلامی ایران پخش شده بود، و بدنبال سخنان تحریک آمیز روحانی روستای ضیاور به وقوع پیوست.

مهندس سید ابوالقاسم دبستانی ضیاوری، کارمند، از نشسته وزارت کشاورزی، در منزل مسکونی خود، به هنگام استراحت شبانه، در ساعت ۳ با مداد ۲۳ مرداد ماه ۵۹، مورد سوء قصد و نفر از عنان صرتحرک شده قرار میگیرد و با ضرب گلوله از ناحیه سرش مجروح می شود. جراحات ناحیه سر، که ناشی از عبور انحرافی گلوله از شقیقه راست و خروج آن از خط الراس بینی است، منجر به عفونت چشم راست و فلج عصب

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترکراست

کارگران اداره بندر بوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می فروشند



*** کارگران از مزایای کارگری بی-بهره اند**
*** آخر با روزی صد تومان که نمیشود**
۹ سر عائله را اداره کرد
*** گرانی و بی پولی - مسئله حاد**
کارگران اداره بندر بوشهر

غدهای نیز در حال استراحتند و بروی کیسههای برنج به خواب رفته اند. انگار نه انگار که سروصدای وجود دارد.
 علی از روستای دوسران کوهمره، از توابع کازرون، به بندر آمده است. خودش می گوید:
 "بیش از ۵ سال است که از گرسنگی و بدبختی برای کار به بوشهر آمدم. قبلا زراعت می کردیم. اما عایداتی نداشتیم. مجبور شدم وسائل خانها را بفروشم و به زن و بچه هام بدهم. از قبل از عید تاکنون، دستمزد را ندادند. نه تنها من، بلکه عده زیادی از کارگران هم مثل من هستند."

کارما در اینجا بصورت گروهی است، یعنی هر کارفرما کار را اجاره می کند و مقداری پول می گیرد، بعد به روستاهای اطراف می رود، یا در خود بوشهر تعدادی کارگری را می کند. هر که ارزانتر حاضر شد کار کند، به کار گمارده می شود. یک گروه که کارش تمام شد، نوبت به گروه دیگر می رسد. آن گروه دوباره باید بنشیند تا نوبتش برسد.

کار مادامی نیست. وقتی دربندر بار تخلیه شود، کار هست. در مواقع دیگر، باید گرسنگی بکنیم.
 خانه نداریم و روی همین کیسه ها زمستان و تابستان را بسر می بریم."

راجع به دستمزد عقب افتاده اش می گوید:
 "از اول سال تاکنون بولمان رانده اند. همگی جمع شدیم و به استاندار رفتم. معاون استاندار قبول داد که ۱۵ - ۱۰ روزه بولمان را بگیرد. کی به دادما می رسد؟ به ماستضعفین کمک نمی شود."

چهارمین کتدم دیم کاشته بودم در "دوسران" چیزی دستم را نگرفت. همناش دنبال کار بودم. دنبال بدبختی بودم. اگر من سواد داشتم، همه این کارگرا را جمع می کردم و بدنیاال گرفتن حقوق عقب افتاده مان به همه جا سرمی زدم. روزی صد تومان با هزار بدبختی در بیاری، با این گرانی، تازه این دستمزد را هم ندهند!"

کارگری که طرف ما می آید انگار حرفی دارد. خودش را معرفی می کند:
 "شفیع نوروزی اهل بوشهر هستم. از وقتی که دستمزد روزانه دربندر ۵ ریال بوده است، من اینجا کار می کردم تا حالا."
 موی سرش سفید شده و به پیری زودرس دچار شده است.

"۹ سرعائله دارم."
 از انقلاب صحبت می کند. کارگری با تجربه ای است:
 "در زمان طاغوت، اداره کاروسیله ای در دست ساواک بود، و وظیفه داشت بولداران و

بندربوشهر یکی از مهم ترین بنا در صادراتی و وارداتی ایران است. در این بندر هر روز دهها کشتی بزرگ و کوچک پهلو می گیرند، تخلیه میشوند و بار می گیرند.

مواد وارداتی از قبیل سیمان، آهن، برنج و دیگر مواد مورد نیاز کشور توسط کارگران این بندر تخلیه می شوند. این کارگران اکثرا از روستاهای اطراف کازرون، برازجان و بوشهر هستند، که در پرتو سوق به "تمدن بزرگ آریامهری!" از خانه و کاشانه خود به این محل آمده اند.

ولی آنچه که آنها را وادار به آمدن به بندر کرده در واقع گرسنگی و فقر شدید ناشی از همان "تمدن بزرگ آریامهری!" بوده است.

دربندر اماکنات ابتدائی زندگی مانند مسکن، بهداشت و غیره برای زحمتکشان وجود ندارد. گرمای شرعی بندر بوشهر و کار طاقت فرسای تخلیه کشتی، همراه با دیگر محدودیتهای زندگی، رمقی در زحمتکشان باقی نگذاشته است. دربندر فروش نیروی کار بطور ساده انجام نمی گیرد. چرا؟ چون همیشه کشتی جهت تخلیه بار نیست و تعداد کارگران نیز زیاد است بنابراین رقابت در فروش نیروی کار، برای رفع گرسنگی و تامین زندگی بوجود می آید، که کارفرما را قادر می سازد، درازا مبلغ کمی دستمزد، کارشدیدی از آنها بکشد، و حتی ماهها حقوق آنها را پرداخت نکند.

زحمتکشان دائمی اداره بندر تا حدودی وضع بهتری نسبت به کارگران روزمزد دارند، هر چند که مصیبتشان در مجموع یکی است.

کشتی بزرگی برنج تخلیه می کند. این کشتی یونانی است و برنج درون آن از رومانی وارد شده است. در هر خن (محوطه ای از کشتی که بار در آن است) تعدادی کارگری که برنج را بوسیله طناب به جراثقال وصل می کنند. راننده جراثقال با مهارت خاصی این بسته ها را بلند می کند و بیرون از کشتی فرود می آورد.

چند کارگر نیز، کیسه ها را در کامیون می چینند. اکثر آنها لخت هستند. علتش را گرمی هوا و "نداشتن بیش از یک پیراهن" می گویند.

سامدار، کارگری می گوید:
 "اهل بوشهر هستیم. روزی صد تومان دستمزد می گیریم، با هزار بدبختی. نه بیمه هستیم، نه وسائل کار و نه مسکن و نه حق اولاد، هیچ هیچ. اگر الان، مثلا، من بمیرم، زن و بچه هام هیچ ندارند که بخورند. روز تعطیل هم حقوق نداریم! گرانی پدرمان را در آورده است. شرمنده و خجالت زده باید به خانه برگردیم. آخر این صد تومان که نمیشودم بچه را مدرسه فرستاد و هم لباس خرید، هم خرج خانه داد، خلاصه ۸ - ۹ نفر را اداره کرد. من مادر زخم و پدر زخم را باید نان بدهم. حق بیمه و مالیات از حقوق ما کسری کنند، ولی از هیچ مزایایی بهره مند نیستیم. برای هرتن بار ۱۳ تومان پول می گیریم. حالاشما حسابش را بکنید که جندتن بارباید از نه کشتی به کامیون منتقل کنیم، البته با کمک جراثقال، تا ۱۰۰ تومان بشود. در بوشهر هیچ چیز گرانتر است که آدم بتواند با این صد تومان زندگیش را بچرخاند."

کارگری می گوید:
 "اداره کار بوشهر مثل سابق عمل می کند. چرا به وضع ما رسیدگی نمی شود؟ چرا حقوق ما را نمی پردازند؟ ما از کجا بیاوریم بخوریم؟" در اثر فشار زندگی صورتش برآز چین و چروک است. شفیع نوروزی می گوید:
 "ما حاضریم تا پای جان با امریکاجنگیم و ایدایش را نابود سازیم. اما باید سرانجام مسئولین فکری هم به حال ما کنند."

سرما به داران وابسته را بغیوت و کارگران را بدبخت کند.
 از طرف همین اداره کار، یک روز برای جشن فکری کم برای حزب رساخته بود - همه کارگران را جمع کردند و گفتند: "بیائید به تهران برویم." و شما از شاه هشاه قدر دانی کنید پسند که اوضاع را پس دیدند، آمدند همه ما را به ساواک تحویل دادند (بگذریم) می - خواهیم این را بگیریم که، اداره کار نباید مثل سابق حق کارگر را به کارفرما بدهد.

باید در این رژیم انقلابی - بخصوص که امام خمینی پشتیبان ما مستضعفین است - طرف کارگر را بگیرند. الان این کارگرا دستمزدشان را نگرفتند. به چه کسی باید مراجعه کنند؟
 من خودم روزی صد تومان درآمد دارم. با این صد تومان، با ۹ سرعائله، نه کجایمان برسانم؟ گوشت، اگر گریباید، کیلویی ۶۵ - ۶۰ تومان، برنج ۱۲ - ۱۰ تومان، سبزی و غیره که نگو. ۵ تومان می دهی یک سنت سبزی می دهند. ولی با همه این بدبختی ها، ما سرمی کنیم. ما می گوئیم هنوز مملکتمان در خطر است. ولی خوب امثال من که تجربه دارند، این حرف را می زنند. آنها بی که بدبختند، بیچاره اند، زن و بچه شان گرسنه اند، واقعا وضعیتشان خراب است. باید به اینها رسیدگی شود. همین طبقه است که پشتیبان انقلاب است، پشتیبان امام است.
 اینجا یک سندیکاهست، اما سندیکای کارکنان دائم است. ما خودمان سندیکان داریم."

احیای ریخته گری پالایشگاه آبادان يك ضرورت مبرم و يك وظیفه انقلابی است

کارگری می نویسد:

کارگران قالب سازی پی از بحث و تبادل نظر خوشان تصمیم به ساختن این دستگاه گرفتند و در مدت دو ماه، بسا صرف هزینه ای برآب کمتر، این دستگاه ساخته شد و مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین در زمان نخست وزیر دکتر محمد مصدق قطعات یدکی راه آهن دولتی ایران در این شعبه تهیه و ساخته می شد. ولی اکنون بجای ریخته گری یاد شده، فقط ۱۳۰ کارگر و کارمند آرموده مشغول بکارند و قسمت اعظم این شعبه عظیم، بسبب توطئه های عوامل داخلی و خارجی امپریالیست ها بکلی نابود شده و امروز جایش را آسفالت کرده اند.

... و چنین بود که توانستند ما را از نظر تکنیکی و وسائل یدکی به امپریالیسم آمریکا و هندستان اروپائی و ژاپن اش وابسته سازند. رکود این شعبه ریخته گری و عدم راه اندازی مجدد آن می تواند ما را در اسارت دردناک نیازمندی به امپریالیسم آمریکا نگاه دارد.
 کارگران میهن دوست و فداکار پالایشگاه آبادان از مسئولین امور معسرانه طلب می کنند که هر چه زودتر برای نجات صنایع کشور از وابستگی به امپریالیسم و جهانخواران نفتی، این کارگاه سودمند و کارآ را در پالایشگاه احیا کنند، تا نیاز صنایع نفت به تکنولوژی خارج در این زمینه قطع شود."

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

توضیح

اخیرا نامه ای به شماره ۲۲/۴۱۱۸ - ۵۹/۶/۲، از طرف اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی، تحت عنوان "ارسال پاسخ" به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده است.

موضوع این نامه مربوط به درج یک خبر کارگری در شماره ۲۵۸ نامه مردم، مورخ ۵۹/۳/۲۵ است، با عنوان "کارفرما در شورای کارگران شرکت سیلوی تبریز کار شکنی می کند".
 مطابق قانون مطبوعات می باید عتقوبی نامه پیوست، با شماره ۵۹۸ - ۵۹/۵/۲۷، در نامه "مردم" درج گردد، که متاسفانه فتوکپی نامه مذکور به دفتر نامه "مردم" ارسال نگردیده است. ما از مسئولین اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی درخواست می کنیم که مجددا برای درج نامه فوق در نامه "مردم" اقدام نمایند.

معادن؟
 ۳- با وزارت کار جمهوری اسلامی را حاکم بر روابط کار می شناسیم و از مسئولین این وزارت انتظار کم و احقاق حق می کنیم و انتظار داریم عداقل بخاطر امام امت بداد خواهی ما توجه شود.

۴- در صورتیکه باید به نهاد دیگری مراجعه کنیم، حداقل ما را سنگ قلاب نکنند و کتاب این مطلب اعلام شود.
 ۵- ما کارگران همانطور که بارها نشان داده ایم، حاضریم سخت ترین مصائب را تحمل کنیم و همواره نیروی پیگیر و حامی انقلاب باشیم."
 از ملاقات مسئول وزارت کار انتظار داریم که هر چه زودتر کارگران اخراجی را به سرکار باز گرداند، تا به این وسیله ۶۰۰ خانواده از نگرانی خارج شوند و ضدانقلاب هم از زمینه ناراضیتهای سوء استفاده نکند.

اخبار کارگری

کارگران اخراجی کارگاه آتیه ساز رابه سر کار بازگردانید

مدتی است که حدود ۶۰۰ تن از کارگران کارگاه آتیه ساز از کار اخراج شده اند و تلاش نمایندگان کارگران برای اشتغال دوباره آنها، تاکنون بی نتیجه مانده است.

اخیرا نامه ای از جانب نمایندگان کارگران این کارگاه به وزارت کار نوشته شده است. در این نامه از جمله آمده است که:

"ما نمایندگان کارگران کارگاه آتیه ساز... پیرو شکایات و دادرسی های فراوان... که مدارک و موارد آن عموما موجود است، مضافا پیرو آخرین صورت جلسه متشکل و مقرر در روابط عمومی وزارت کار، که طی آن شروع سریع پروژه و بکارگاردن عموم پرسنل عنوان شده است... متعاقب همه این تلاشها چون باز مسئولین کارگاه در ادامه رکود پروژه و اتلاف بیت المال و تداوم بیکاری تعددی حدود ۶۰۰ کارکن، که علی الاصول نان آور حدود ۳۰۰۰ نفر هستند، با آقای وزیر کار... تماس گرفته شد."

آنگاه طبق توصیه ایشان، با رئیس بنیاد مستضعفان و رئیس پروژه ملاقاتی انجام شد، ولی از این ملاقاتها نتیجه ای عاید کارگران نشد. نمایندگان کارگران در این نامه خواسته های خود را به این شرح اعلام کرده اند:

۱- آیا تحت این شرایطی که توطئه پشت توطئه در دامن زدن به ناراضیتهای و ایجاد جو آشفتگی می شود، اخراج بی رویه و بی دلیل ۶۰۰ کارگری پناه درست است؟
 ۲- در چنین صورتی چه کسی باید بداد ما کارگران برسد، وزارت کار یا وزارت صنایع و

ما از انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را میخواهیم

«اگر آب و زمین به اندازه کافی به ما بدهند، پدر آمریکا را درمی آوریم»
 «بعد از انقلاب، هنوز هم ما ارباب داریم»

چونان این روستا بیسواد هستند. یکی از روستاییان میگوید: «سال پیش با هزار خواهش توانستیم برای روستایمان، که ۴۰ نفر مدرسه رو دارد، معلم بیاوریم، ولی پس از مدتی چون مدرسه نداشتیم، معلم از روستایمان رفت و گفت هر موقع مدرسه درست کردید، برمی گردیم»
 یکی دیگر از اهالی در ارتباط با مشکلات روستایشان می گوید:

«آقا ما اصلا هیچ نداریم. نه قنات درست و حسابی داریم، نه مدرسه برای بچه هایمان داریم و نه حمام درست و حسابی داریم. از لحاظ دکتر و درمان و دارو هم که وضع خراب است».

● روستای مس آباد در ۴۴ کیلومتری شمال اراک قرار دارد. در این روستا ۵ خانوار زندگی میکنند، که ۱۰ خانوار آنها را خوش نشینان تشکیل می دهد. محصولات عمده روستا گندم، جو و پوتیجه است. این روستا دارای ۴ مکتبه است، ولی آب آنها کفاف اهالی را نمی کند و بهین علت زحمتکشان این روستا ناچار مقداری از اراضی قابل کشت را رها می کنند. قنات روستا چندی خشک شده است. تنها حمام خزینه ای روستا خراب شده و قابل استفاده نیست. اهالی برای حمام کردن به روستاهای اطراف میروند، که چند کیلومتر با روستای آنها فاصله دارد.

خوش نشینان روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان بی زمین از نداشتن قطعه زمینی برای کشت در عذابند. یکی از آنها میگوید:

«ما مجبوریم روی زمین افرادی کار کنیم که فقط سالی یک بار، آنهم موقع برداشت محصول آنها را می بینیم. آنها قبلا در ده کشاورزی داشتند و همین جا زندگی میکردند و حالا در اراک و تهران بسر می برند. هر چه که بکاریم، چهار قسمت از ده قسمت را به آنها میدهیم»
 یکی دیگر از مشکلات این روستا وضع جاده است، که در تمام زمستان غیر قابل استفاده شده و عبور و مرور در آن قطع میشود.

این بود مشکلات گریبانگیر دهقانان روستاهای اراک، که کم و بیش شامل حال دیگر روستاییان میهنمان نیز میشود. زدودن ویرانی و فقر و محرومیت از روستاها، در وهله نخست، مستلزم انهدام بزرگ مالکی است. اجرای اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب و آیین نامه اجرایی آن بود دهقانان زحمتکش، میتواند گام بلندی در این مسیر باشد. باید بوزارت آن برای کشاورزان وسایل و امکانات مدرن کشاورزی تهیه کرد. باید با تامین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و استفاده از نیروی بزرگ خود دهقانان، که در این راه با شور و شوق آماده اند، به ایجاد سیستم صحیح آبیاری، تهیه آب کافی و توزیع عادلانه آن اقدام کرد. باید برای دهقانان امکانات رفاهی را، که سالیان سال از آن محروم بوده اند، فراهم کرد.

که اصلا معلوم نیست، کجا هستند. صرفا بخاطر اینکه بگویند من مالک نیستم»
 و در خاتمه یکی دیگر از اهالی کاظم آباد مشکلات روستاییان را چنین توضیح می دهد:

«... شما الان به هر کوردهی بروید لاقلا یک حمام خزینه ای دارند. اما ما این را هم نداریم. یک حمام خزینه ای داشتیم که خیلی خراب و کثیف بود که آنهم الان ۶ ماه است که کار نمی کند. بعضی از اهالی در این ۶ ماه به حمام نرفته اند و بعضی ها گاهی به روستاهای دیگر می روند. ما برق نداریم، مدرسه راه نمایی نداریم. بچه های ما بعد از کلاس ۵ باید به روستاهای دیگر یا اراک بروند. اگر کسی مریض بشود، به ماشین دسترسی نداریم. ما نان برای خوردن نداریم. هه اش تقصیر ارباب است. تا حالا چندبار از دست او شکایت کرده ایم، اما زاندامری فرعیین جانب روستاییان را نمی گیرد. ما از دولت و به خصوص جهاد سازندگی انتظار داریم که کار ما رسیدگی کنند، به ما کمک کنند تا زمینهای روستا را از مالک بزرگ بگیریم»

● جلیل آباد یکی از روستاهای اراک است. در این روستا حدود ۵۰ خانوار ساکن هستند. مهم ترین مشکل اهالی این روستا آب زراعی است، که با کم کمهای موثر جهاد سازندگی در لایروبی قنات تا حدود زیادی این مشکل حل شده است. لیکن بازم آب تمامی احتیاجات روستاییان را برآورده نمی سازد. زمینهای باری در اطراف این روستا زیاد است، که با حل کامل مشکل آب، زحمتکشان جلیل آباد میتوانند این اراضی باری را به زیر کشت برند.
 مشکلات دیگر روستاییان فقدان حمام بهداشتی، برق و درمانگاه است.

● روستای آشیانه سفلی در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. روستا حدود ۱۴۰ نفر (۴۴ خانوار) جمعیت دارد. مشکل بزرگ روستاییان آشیانه سفلی، خرابی قنات است، که اهالی با پیگیری خود و نماینده شان موفق به دریافت بودجه و دیگر وسایل مورد نیاز (سیمان- آهک - ماسه) از جهاد سازندگی برای لایروبی و تعمیر قنات شدند.

پس از مدتی که اهالی شروع به تعمیر و مرمت قنات کردند، بودجه تعیین شده از طرف جهاد تمام شد و هم اکنون چند هفته ای است که کار تعمیر قنات نیمه کاره رها شده است. نماینده روستا با وجود مسراجعه مکرر به جهاد سازندگی موفق به اخذ بودجه دیگری برای اتمام کار قنات نشده است.

اهالی روستا از نپادهای انقلابی اراک، بویژه جهاد سازندگی، میخواهند که هر چه زودتر به کسری بودجه برای تعمیر قنات که مشکل بزرگی است رسیدگی کند.
 ● جعباده، روستایی دور افتاده و جدا از دیگر روستاها، در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. این روستا، که حدود ۱۳۰ نفر جمعیت دارد، از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیست.

مشکل عمده این روستا کمی آب است. هفت ساله رسوبات ناشی از باران و سیل، تنها قنات روستا را پر می کند و آب آن بقدری کم میشود که کفاف آشامیدن را هم نمی کند.

اکثر زمینهای مزروعی روستا بعلت کمی آب به صورت دیم کشت میشود. یکی دیگر از مشکلات روستاییان فقدان مدرسه است. اکثر کودکان و نوجوانان

روستاهای کشورمان را ویرانی و روستاییان زحمتکش بی زمین و کم زمین را فقر و محرومیت حاطه کرده است. این ویرانی و فقر و محرومیت حاصل و نتیجه غارتگریها و بهره کشی های بی حد و حصر رژیم سرنگون شده پهلوی و اربابان وی، یعنی آمریکا و نیز بزرگ مالکان ستمگر است. انحصار اراضی بسیار وسیع و مرغوب در دست چند بزرگ مالک، کمبود زمین و آب و فقدان سیستم صحیح آبیاری، فقدان امکانات درمانی و آموزشی از مشکلات روستاییان است. بمنظور آگاهی از عمق شکلات دهقانان ستمکش استان مرکزی، وضع روستاهای اراک را از نظر می گذرانیم:

● روستای میجان در ۴۹ کیلومتری شمال اراک ج است. این روستا ۴۸۰ خانوار را دربر می گیرد و ۱۱۰۰ نفر می رسد. ۵۰ خانوار روستای جان خوش نشین هستند و برای گذران زندگی ناچار راک و تهران میروند و با کارگری معاش خود و نوادشان را تامین میکنند.

● روستای میجان حدود ۷۶۰ هکتار زمین دیم و ۱۰۰۰ نثار زمین آبی دارد، که بعلت بی آبی، تنسبا بخش بودی از این اراضی به زیر کشت میروند. بی آبی یکی مشکلات عمده این روستاست. اسمانیل آقاچانی، یکی روستاییان، در این خصوص میگوید:

«ما با پیام امام که فرموده بود هر چه میتوانید بکارید، بتوانیم با آمریکا مبارزه کنیم، ۱۰۰۰ خوروا بذر ک زمینها ریختیم، ولی چون قناتان خشک شد و آب نداشت، حالا بزور می توانیم حتی بزورمان را از زمین در آوریم»
 علی قلی، یکی دیگر از زحمتکشان روستای میجان، باه می کند:

«سبب زمین کاشتیم، آب نبود و همه خشک شد. نچه هم همینطور. اسمال نمی دانم چگونه هزینه زندگی نوادها را تامین کنم»

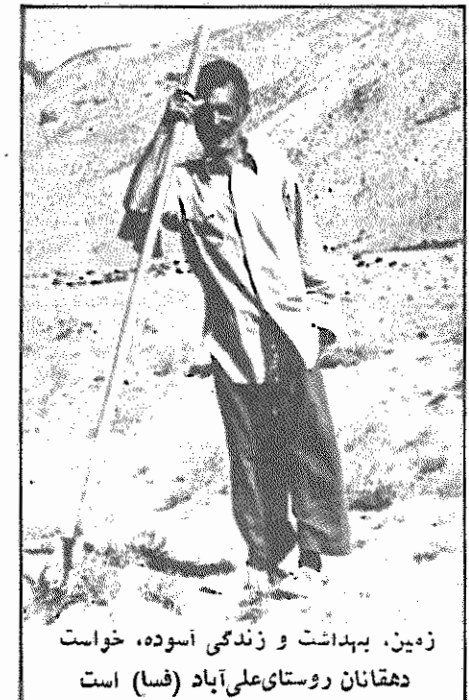
قنات روستا از چندی قبل خشک شده است. ازسوی باد سازندگی به روستا آمدند و پس از بررسی وضع ت به روستاییان گفتند که، ۵ کیلومتر مسیر قنات آب است و باید با ییل مکانیکی لایروبی شود و این ر حدود ۴ میلیون تومان لازم دارد. جهاد بودجه ندارد اهالی برای مرمت قنات باید نیمی از پول را بردارند. روستای میجان فاقد حمام بهداشتی است و تنها حمام سا خزینه ای تقریبا غیر قابل استفاده است.

● روستای محمدی در ۱۵ کیلومتری شمال اراک ج است. از ۱۵۰ خانوار ساکن در روستا، ۵۰ (نوار) خوش نشین هستند. رضا رسولی، یکی از خوش نشینان، در مورد این دسته از زحمتکشان روستا میگوید:

«ما ۵۰ خانوار هستیم که زمین نداریم و مجبوریم ی اراضی دیگران کار کنیم. افرادی هستند که بیش ۵۰ هکتار زمین دارند. اداره کشاورزی بها وام نمی د. مسئولین این اداره میگویند چون شما تسق ندارید، ما وام نمی دهیم»

قیوم رسولی، یکی دیگر از زحمتکشان، که پیر مرد ۱۰ ساله ای است، می افزاید:

«اگر آب و زمین به اندازه کافی بها بدهند، پدر ریکا را درمی آوریم، کاری می کنیم که اصلا به گندم با احتیاجی نداشته باشیم»
 ● علی آباد یکی دیگر از روستاهای اراک است. روستا ۴۰ خانوار را دربر می گیرد. اهالی این روستا، کمک و یاری جهاد سازندگی، به امر لایروبی قنات سا همت گماردند، که بسبب فرارسیدن ماه رمضان، لایروبی متوقف ماند. اکنون اهالی روستا اتمام کار ت را خواهان هستند. حمام روستای علی آباد خزینه ای



دهقانان روستای علی آباد (فسا) است زمین، بهداشت و زندگی آسوده، خواست

گذری به روستا روستای علی آباد (فسا)

روستای علی آباد در ۳۳ کیلومتری کنارجاده شیراز- شیراز قرار رد. ساکنان دو قطعه حسن آباد و عباس آباد، به علت غیر قابل سکونت بودن، نه های این دو قطعه، بها این روستا ج کرده اند. خانه های این روستا لباز سنگ وجوب ساخته شده است. دین خانه کلب نیز در روستا وجود دارد این روستا در مانگاه ندارد ستائیان بیمار باید به روستای - نیز بروند و از امکانات بهداشتی این ستا استفاده کنند. روستاییان در ثروقات به شهرستان فسا می روند، را امکانات روستای رونیز از نظر داستی چندان وسیع نیست.
 در این روستا آب لوله کشی وجود ارد. آب روستا شور و غیر قابل استفاده ت. روستاییان مجبورند به روستای نیز بروند و ما شین از آنجا آب ورنند. قبلا آب آشامیدنی روستا از بت تامین می شد. این قنات در کبیت مالک بزرگ این روستا بود. وی بی توجهی بها این قنات و عدم لایروبی، عملا قنات را تخریب کرد. کم کم قنات خشک شد. ۴ کیلومتری این ستا آب شیرین وجود دارد. روستاییان ستولین جهاد می خواهند که آب این ستا را با استفاده از لوله کشی به روستا رسانند. مسئولین جهاد قول داده اند هر چه زودتر این کار را انجام دهند. این روستا حمام ندارد. روستاییان

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

**دهقانان کم زمین
وبی زمین!
باتشکیل کمیته های خود
وباتکیه به پاسداران متعهد
وافراد دلسوز جهاد سازندگی،
به مسئولان دولتی کمک کنید،
تاقانون اصلاحات ارضی
سریعا و بسودشما اجرا شود**

روستا ۴۰۰ هکتار زمین دارد. در سال ۴۱ وی مقدار کمی از زمینها بیش را به دهقانان داد و قسمت اعظم زمین ها را برای خود نگه داشت. خرده مالکان این روستا اکثرا یک یا دو هکتار زمین دارند. این زمینها جو بکوی نیازهای زندگی آنان نیست. آنها بناچار برای ادامه زندگی، بر روی زمینهای مالک بزرگ و بادرکارخانه های اطراف کار می کنند.

آنها منتظر اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. آنها برای جلوگیری از درگیری تا به امروز از تقسیم زمینهای مالک بزرگ خودداری کرده اند.
 مالک بزرگ با اقدامات خود عملا موجبات مخروبه شدن قنات را فراهم کرده و از این راه لطمه های فراوانی به کساروزی این روستا و امکانات رفاهی زده است.
 محصول عمده این روستا گندم و جغندر است. دامداری نیز در این روستا رایج است و بخشی از درآمد روستاییان از راه دامداری به دست می آید.
 روستاییان از کودهای حیوانی برای تقویت بهره دهی زمین استفاده میکنند. گرانی و کمبود مواد غذایی یکی از مشکلات روستاییان است. اکثر مواد غذایی در روستا کمیاب و گران است.
 روستاییان مجبورند به شهرستان فسا بروند و مواد آشی خود را از این شهر تهیه کنند.
 برای بهبود شرایط زندگی و تولید در این روستا، باید با واگذاری زمین به دهقانان تهیدست و تئویق آنان برای تولید تعاونی اقدام کرد. تهیه مواد غذایی نیز از مسائل اساسی این دهقانان و بسیاری از دهقانان منطقه است، که می توان با ایجاد تعاونی های مصرف این معضل را حل کرد.

لهستان آرامش خود را باز مییابد

خبرگزاری تاس گزارش می دهد: در ورشو اطلاع داده شد که براساس موافقت هایی که در مورد یک عده از مسائل اجتماعی و اقتصادی حاصل شده، کار در بنگاه های سواحل گدانسک، شدتین وال بلونگ و همچنین در دیگر نواحی که در آنجا وقفه در کارها پدید آمده بود، مرتباً از سر گرفته شده است. مطبوعات لهستان خاطر نشان می کنند که در نتیجه اختلال آهنگ عادی کار، دشواری های اقتصادی کشور زرفتر شده و این امر در برخی نقاط موجب برهم خوردن سازمان تولید و توقف وسائل با بربری و کم و کسری های در تامين نیا زمندیها یا هالی گردیده است.

فقط در شهر شدتین به تنهایی ۶۱ کشتی حامل غله و علوفه و مواد خام، که بدون آنها بسیاری از بنگاهها قادر به کار نیستند، تخلیه نشده مانده اند. یکی از رهبران اداره رسمی اطلاعات لهستان، روزی ویکم اوت (۹ شهریور) در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که هنگام حل و فصل اوضاع بحرانی عقل و خرد فائق شد، نه احساس. وی گفت که نادرستی طرز فعالیت برخی سازمانها موجب بروز ناسازگاری شد و این هم به نوبه خود باعث عدم رضایت مردم در رشته های اجتماعی و اقتصادی گردید. بنا به گفته های او، این مشکلات سال به سال رشد می کرد و شکل تندخواد آنها در روزهای اخیر مظاهر شد.

روزنامه تریبونالودوارگان کمیته مرکزی حزب متحد کارگر لهستان در سرمقاله خود نوشت:

"ما امروز مسائل بفرنج دردناکی را مورد بحث و گفتگو قرار دادیم. در این روزها هیچیک از این مسائل ممنوع شمرده نمی شود. میلیون ها تن درباره هر یک از این مسائل فکرو بحث می کنند و نیروی عظیم مادرهین است. ما باید هر چه از دستمان ساخته است، به کار ببریم تا از این نیرو بسود رفا و ترقی همگان استفاده شود. ولی برای این مقصود لازم است که ابتدا از بحران خارج شویم و به کار عادی و فعالیت عادی کلیه دستگاه های زندگیمان برگردیم و محیط منظم و آرامش، عقل سلیم و تعادل فکری و حسن مسئولیت در رفتار را به وجود آوریم."

روزنامه تریبونالودو سبیس

احزاب پاکستان بر ضد رژیم ضیاءالحق متحد میشوند

در کراچی رهبران احزاب عمده پاکستان برای هماهنگی اقدامات در جهت لغو حالت فوق العاده و اعاده دموکراسی به کشور تشکیل جلسه دادند. احزاب مختلف پاکستان در هفته های اخیر رژیم دست نشاندۀ ضیاء الحق را بخاطر سرکوب آزادی ها و خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا، شدیداً محکوم کرده اند. کنفرانس کراچی در حالی برگزار میشود که رژیم دیکتاتوری پاکستان، فشار و سرکوب را افزایش میدهد.

کنفرانس همبستگی با لیبی رژیم سرسپرده سادات و مساؤقتنامه خائنانه کمپ دیوید را محکوم کرد

کنفرانس همبستگی با لیبی در طرابلس بکار خود پایان داد. این کنفرانس در قطعنامه خود رژیم سرسپرده سادات و موافقت نامه خائنانه کمپ دیوید را شدیداً محکوم و اعلام کرد که رژیم سادات نیروهای خود را در مرز لیبی مستقر میکند، تا این کشور را مرعوب سازد و از راه مبارزه قاطع با امپریالیسم و صهیونیسم باز دارد. در قطعنامه همچنین اضافه شده است که سادات، بدستور آمریکا، خاک مصر را به مرکز آموزش خرابکاران تبدیل کرده است، تا علیه انقلاب ایران و در آفریقا مداخله کند.

می نویسد: برای اینکه بهترین راه خروج از اوضاع موجود را در لیبی بیابیم، باید تضمین کنیم که آن نیروهایی که به وجود لهستان سوسیالیستی ذینفع نیستند و ویرانی و هرج و مرج بر می آورند و کلیه کسانی که از شعار هر چه بدتر برای میان بهتری بر روی می کنند، در امورمان مداخله نخواهد کرد. روزنامه تریبونالودو هممه کمیونستها و کلیه لهستان نیها را فرا می خواند که اقدامات مجد انه ای به عمل بیاورند، تا اینکه بحران موجود از میان برود و زندگی عادی در کشور احیاء شود.

سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان برای دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم!

پدر خونخوارش انتخاب کرده اند و خواب به سلطنت رساندن او را می بینند. در این شرایط، وقاحت ضد انقلاب به حدی رسیده است که هواداران بختیار، اعلامیه های خود را در سطح وسیعی در دانشگاهها پخش می کنند، و آلتور که در روزهای گذشته شاهد بودیم، در آمریکا و انگلستان، مجالس سخنرانی ترتیب می دهند و دست به تظاهرات میزنند. ضدانقلاب از تشکیل خود دودهن را دنبال می کند: اول سازمان دادن فعالیت های ضد انقلاب در داخل کشور و سپس سر باز گیری از میان ایرانیانی که به خارج از کشور می آیند، برای پیوستن به ضد انقلاب داخل کشور. هوطنان! ضدانقلاب نا امید نشده است. ضدانقلاب تا نابود نشود، به تلاشهای خود ادامه میدهد. طی سال گذشته، تجربه نشان داده است که آمریکا (ستاد فرماندهی ضدانقلاب) به هیچ قیمت حاضر نیست از ایران انقلابی دست بردارد. بهین دلیل ضدانقلاب را بیوسته سازمان یافته تر و با امکانات بیشتر به میدان می فرستد. وظیفه انقلابی همه نیروهای طرفدار انقلاب، اعم از پیروان سوسیالیسم علمی و پیروان امام خمینی، حکم می کند که هر چه زودتر برای مقابله با توطئه های ضدانقلاب و سرکوب قتل آن، متحد شوند. لذا سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، بر اساس درک حساسیت لحظه، تشکیل جبهه ای از همه نیروهای صادق طرفدار انقلاب را در خارج کشور ضروری می داند.

هوطنان! هر روز که می گذرد، انقلاب خلقی و شکوهمند ایران، توطئه های را از سر می گذراند. ضدانقلاب، هر روز از روز پیش جری تر می شود، اینک پیبرده به میدان آمده است. ضد انقلاب، که آشکارا از جانب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، حمایت و هدایت می شود، در سطح وسیعی به جمع آوری و تشکیل نیروهای خود دست زده است. ضدانقلاب متشکل میشود. این خطری است که باید آنرا افساء نمود و با آن رژیم بر طبق اخباری که ورق پاره سیا ساخته «اخبار ایران» منتشر کرده است: اویسی، جلاد شاه، خواستار تشکیل یک رهبری دسته جمعی برای نجات ایران شد.

ارتشبد شاه خائن، آریانای فاشیست، ایجاد سرفرماندهی ضد انقلاب را با شرکت خود او، اویسی و از هاری اعلام کرد.

ضدانقلابیون آسیا، اروپا، آمریکا در جزیره هلکولند جلسه ای برای هماهنگی تشکیل دادند، تا فعالیت های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را علیه رژیم انقلابی ایران هماهنگ سازند.

۱۱ سازمان به اصطلاح میهن پرست از کشورهای اروپای غربی و آمریکا، جبهه به اصطلاح «آزادی ایران» را تشکیل دادند.

همه این اقدامات در شرایطی انجام می گیرند که، ضدانقلابیون، متحدان فرزند طائون را به جانشینی



پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را درهم شکست

پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را در پاریس، با گاز اشک آور و با طوم درهم شکست. ماهیگیران فرانسه چند هفته است که بعنوان اعتراض به اخراج بی رویه کارگران کشتی های ماهیگیری دست به اعتصاب زده اند. ماهیگیران همچنین خواهان افزایش کمکهای مالی دولتی هستند. اتحادیه های ماهیگیران اعلام کرده اند که اگر دولت به تقاضای ماهیگیران محروم توجه نکند، محاصره بنا در فرانسه از سر گرفته خواهد شد.

درمان رایگان برای افراد کم درآمد در زیمبابوئه

دولت زیمبابوئه با انتشار فرمانی افراد کم درآمدرا مشمول خدمات رایگان پزشکی قرار داد. طبق این فرمان، اکثریت افراد روستا نشین مشمول این فرمان میشوند. دولت زیمبابوئه قصد دارد در آینده نزدیک همه افراد را مشمول درمان رایگان قرار دهد.

خرابکاری چین در جنوب شرقی آسیا، صلح و آرامش منطقه را بخطر انداخته است

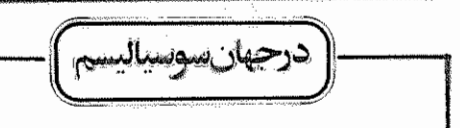
وزارت خارجه کامبوج در بیانیه ای اعلام کرد که صلح و آرامش تنها هنگامی در جنوب شرقی آسیا برقرار خواهد شد، که بکن از خرابکاری در منطقه دست بردارد. در بیانیه اضافه شده که می شود یکساز تجزیه طلبان در برمه، هندو دیگر کشورهای منطقه حمایت کرده و با امپریالیسم آمریکا هم دست شده و از گروه های نژادی چینی در کشورهای آسیای جنوب شرقی برای خرابکاری استفاده می کند.

بیرک کارمل: امپریالیستها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را بعقب برگردانند

بیرک کارمل، رهبر افغانستان، اعلام کرد که در حالیکه اتحاد شوروی و کشورهای همسایه از انقلاب افغانستان دفاع میکنند، محافل امپریالیستی و ماژوریت های پکن تلاش دارند تا مابین ارضی و حاکمیت افغانستان را خدشه دار سازند. کارمل گفت که اگر حمایت اتحاد شوروی نبود، افغانستان با احتمال بسیار زیاد استقلال خود را از دست میداد و بنا بر این مردم افغانستان از اتحاد شوروی بخاطر کمک و حمایت از جمله کمک نظامی به افغانستان سپاسگزارند. رهبر افغانستان تا کبد کسرد که امپریالیست ها و یکن و ارتجاع جهانی موفق نخواهند شد انقلاب مردم افغانستان را خفه کنند و این کشور را به پایگاه تجا و ز علیه کشورها و ملت های آزادیخواه شرق تبدیل نمایند. تلاش های مذبحو خائنه امپریالیسم و یکن در این راه محکوم به شکست است. امپریالیست ها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را به عقب برگردانند. کارمل گفت که مردم افغانستان در مبارزه با ضد انقلابیون پیروز می شوند و از سوی دیگر وحدت و یکپارچگی حزب روز به روز مستحکمتر می شود. رهبر افغانستان با ردیگریا دآورشده که تنها راه حل و فصل مسائل، قطع مداخله خارجی در امور افغانستان و قطع کمپسبل ضد انقلابیون به افغانستان است.

هر کلام ۵۰۰

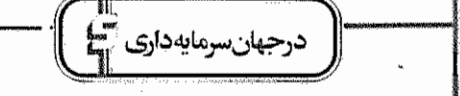
به شدت مجروح کردند. مسلم است که مناظره و تبادل افکار زمانی مثبت و دارای ارزش انقلابی است که هدف از برگزاری آن سازندگی در جهت تحکیم مواضع انقلاب و تقویت وحدت و یکپارچگی تمام زحمتکشان و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر برپوش امپریالیسم باشد. ایجاد مناظره تفرقه آمیز و در محیط تشنج و پرا ز تحریک بر روی مضامین به کلی دور از زندگی واقعی جامعه و مطابق میل نفاق افکنان و دشمنان انقلاب، در شرایط حساس فعلی فطش می توان نندجا شای فکن و تضعیف کننده انقلاب و در جهت خلاف ضرورت اتحاد و همبستگی مردم باشد. در شرایط حساس



صندوق مصرف اجتماعی اتحاد شوروی در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است

یکی از منابع افزایش درآمد واقعی سرانسه زحمتکشان شوروی صندوق مصرف اجتماعی است، که در حدود هشتاد درصد آن از بابت بودجه دولتی و بقیه آن از سوی سود واحدهای اقتصادی و تعاونی ها تامین می شود. این صندوق، که بدون در نظر گرفتن مقدار کار افراد، در میان آنها تقسیم می گردد، در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است. در حالی که در سال ۱۳۴۹، یک خانواده چهار نفره بطور میانگین، سالانه ۱۰۵۲ روبل از بابت صندوق مصرف اجتماعی دریافت می داشت، این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۱۶ روبل رسید و اکنون به ۱۷۵۰ روبل افزایش یافته است. نیمی از این مبلغ را پرداخت های مستقیم، چهل درصد آن را خدمات رایگان و ده درصد بقیه را کمک هزینه تشکیل می دهد.

بیش از ۸۰ درصد صندوق مصرف اجتماعی به آموزش، بهداشتی و امنیت اجتماعی اختصاص می یابد. هزینه های نام برده برای هر شهروند شوروی برابر با ۴۰۴ روبل می شود. مصارف بهداشتی و تربیت بدنی، که در اتحاد شوروی از بابت صندوق مصرف اجتماعی تامین می گردد (یعنی بهداشتی رایگان، اقامت در آسایشگاه ورزشی) در سال ۱۳۴۴، ۶/۹ میلیارد روبل بود این رقم در سال ۱۳۵۴ به ۱۲/۹ میلیارد روبل و در سال ۱۳۵۸ به ۱۳/۶ میلیارد روبل رسید.



در آمریکا به رئیس جمهور بازنشسته بد نمی گذرد!

در ایالات متحده آمریکا، دیگرست شده است که رئیس جمهور، پیش از تحویل مقام خود، اشک تصاح بریزد. اما واقعیت آنست که او به خلاف پنج میلیون آمریکایی که اینک بیکارند و بیبوهه در جستجوی کار تلاش می کنند، می تواند مطمئن باشد که آینده درخشانی در انتظارش خواهد بود. برای نمونه، نیکسون، که بر اثر افشاح و اوتار گیت مجبور به استعفا شد، سالانه ۸۴۰۰۰ دلار حقوق بازنشستگی دریافت می کند (۶۵ هزار دلار بابت ریاست جمهوری و ۱۹۰۰۰۰ به خاطر نمایندگی کنگره). وی علاوه بر این، دفتری مرکب از ۸ همکار دارد، که دولت حقوق آنها را می دهد. دولت آمریکا همچنین متحمل هزینه سفر، وسائل کار و کرایه خانه نیکسون می شود. هزینه های نام برده در سال گذشته تجاوز از ۲۳۰ هزار دلار بود. به این مبلغ باید همچنین مخارج سنگین محافظت از رئیس جمهور اسبق و خانواده او را افزود. یادآور می شویم که این گونه مخارج در مورد خانواده فورد در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲/۲ میلیون دلار بود. حال که از فورد سخن رفت، بد نیست بهوض بازنشستگی او نیز نظری بیافکنیم. جسرالد فورد سالانه ۱۰۶ هزار دلار حقوق بازنشستگی می گیرد و ۱۲ همکار دارد، که از دولت سالانه ۱۵۰ هزار دلار حقوق دریافت می کند. مخارج دفتر فورد در سال ۱۹۷۸، ۲۹۱۶۸۵ دلار بود، که از اقلام زیر تشکیل می شد: تلفن: ۲۳۴۸۷ دلار، روزنامه و مجله: ۹۷۹ دلار، گل: ۲۲۴۹ دلار، هزینه سفر: ۲۹۹۴۲ دلار. البته حقوق بازنشستگی تنها منبع درآمد روسای جمهوری سابق آمریکا نیست. مثلا نیکسون تا به حال ۱/۵ میلیون دلار بابت کتابها و مصاحبه های تلویزیونی خود دریافت داشته است. فورد در آرای همکاری خود با «انستیتوی کارفرمایان آمریکا»، سالانه ۵۰ هزار دلار عایدی دارد. فزون بر این، جرال فورد به اتفاق همسرش، قراردادی به مبلغ یک میلیون دلار برای نوشتن خاطراتش با یک بنگاه انتشاراتی منعقد کرده است. وی همچنین قرارداد دیگری به مبلغ ۱/۵ میلیون دلار با ایستگاه های تلویزیونی بسته است. به نظر می رسد که ریاست جمهوری در آمریکا بد کسب و کاری نباشد.

کنونی، حتی سوء تعبیر از سخنان مقامات مسئول کشور، که در حفظ اتحاد مردم و نیروهای راستین انقلابی و وظیفه سنگینی به عهده دارند، می توان ندیده را حتی مورد استقاده های نادرست اشخاص مغرض قرار گیرد. ماضن محکوم کردن حمله ناجوانمردان به رفیق دیستانی ضیا و کلیه اقدامات تحریک آمیز عناصر فریب مسؤل، که عملاً نیت شوم ضد انقلاب را عملی می سازند، از کلیه مقامات و بیزه رو خائینانده که با پید حرمت مقام خویش را حفظ کنند و مناد وحدت نیروهای انقلابی باشند می خواهیم، همانگونه که امام خمینی بارها تاکید کرده اند، وحدت و یکپارچگی خلق را محور بنیانات خود سیاست خود قرار دهند، زیرا که تنها در سایه اتحاد است که می توان با اطمینان گفت: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

طبقه کارگر لهستان تحت تأثیر فعالیت خرابکارانه عناصر ضدسوسیالیستی قرار نمیگیرد

ضدسوسیالیستی قرار نمیگیرد

مطبوعات لهستان گزارش می‌دهند که دولت، با شرکت‌های مرکزی اتحادیه‌های کارگری، مسائل مربوط به تدارک برنامه در جهت اجرای مقرراتی را که از توافق میان کمیسیونهای دولتی و کمیته‌های بین کارخانه‌ای ناشی شده، مورد بررسی قرار می‌دهد. انتظار می‌رود که این مسئله بزودی در اجلاس پارلمان مورد بحث قرار گیرد. در این اجلاس پینوکوفسکی، رئیس شورای وزیران، برنامه دولت را تقدیم خواهد کرد.

از سوی دیگر گزارش میرسد که در ماذن کار از سر گرفته شده است. مطبوعات لهستان گزارش می‌دهند که برغم از سر گرفته شدن کار در موسسات، اوضاع در کشور بطور کلی پیچیده و بغرنج است. مطبوعات لهستان به لزوم حفظ نقش رهبری کننده حزب متحد کارگری در کشور و تحکیم پیوندهای آن با طبقه کارگر و با همه زحمتکشان تاکید می‌کنند.

نیروهای ضد سوسیالیستی در کشور بی‌وقفه به فعالیت خراب-

کارانه خود ادامه می‌دهند. روزنامه تریبونا لودو، ارگان کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در سرمقاله‌ای تحت عنوان «مخاسبات بی‌نتیجه»، خاطر نشان می‌سازد که، در حالیکه طبقه کارگر لهستان برای تثبیت اوضاع در کشور و برای فائق آمدن بر مشکلات و بازگرداندن موسسات به روند عادی تولیدی تلاش می‌کند، نیروهای مخالف لهستان، برای وخیم تر کردن روندهای منفی شدت تقلا می‌کنند. این مقاله به روشنی روابط متقابل این عوامل را با نیروهای ضدسوسیالیستی، که خارج از مرزهای لهستان فعالیت می‌کنند، عریان می‌سازد.

تریبونا لودو بویژه به نقش روزنامه‌ها و ایستگاههای رادیویی، که بخاطر روش خصمانه نسبت به لهستان، شهرت رسوائی دارند، اشاره کرده و می‌نویسد: این ارگانها ناگهان بیاد دهبستگی و هدفهای مشترک با لهستانیا

بدون ابهام است: اصول اساسی توسعه سوسیالیستی، از جمله اصول اساسی نقش رهبری حزب مارکسیست - لنینیستی بی‌ترزلزل باقی مانده و در این مورد هیچ شبهه‌ای نباید باشد. طبقه کارگر لهستان اجازه نمی‌دهد که تحریک شود و در نظام سوسیالیستی خرابکاری صورت گیرد.

روزنامه تریبونالودو می‌افزاید: از جمله اصول اساسی ما اتحاد ترزلزل ناپذیر با اتحاد شوروی و پیوندهای دوستی است که کشور ما را در زمینه‌های مختلف با کل جامعه سوسیالیستی پیوند میدهد. تریبونالودو دریایان می‌نویسد: بی‌نتیجه بودن امیدهای راهسی نیروهای دشمن لهستان بخوبی روشن است. ما باید دائما مراقب باشیم که اصول سوسیالیستی در کشور غمناک سوسیالیستمان سیاسی و ایدئولوژیک آن در معرض خرابکاری قرار نگیرد. ما قاطعانه با مراکز ضد لهستانی و ضد سوسیالیستی مبارزه خواهیم کرد و طبقه کارگر لهستان و تمام جامعه نیز بر این عقیده است.

تقویت سپاه پاسداران

بقیه از صفحه ۱

درنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (جمهوری اسلامی - ۱۳ شهریور ۵۹) نشان میدهد که چگونه این جوانان پرشور، که خدمتشان چنین پرآرز است، آماج اتهامات گوناگون قرار گرفته‌اند. سپاه پاسداران در درنامه خود می‌نویسد:

«آمریکای جهانخوار ما را دزدان دریایی خطاب میکند، گروههای ضدخلقی، مرتجع و فالانژمان میخوانند و مسئولین مملکتی مظنون بسی نظمی و... معرفی‌مان میکنند.»

در این درنامه سپاه پاسداران به تفصیل درباره اقداماتی که از سوی ارگانهای مختلف علیه پاسداران بناحق انجام شده، یاد میکند: از بازداشت زندانی کردن و سرتراشیدن پاسدار، از اهانت افسران کلانتری به پاسدار و زدن دستبند بدستپایشان، تیراندازی بگردن پاسدار وسیله خسرو قشقایی و اهانت و دشنام گویی به یک پاسدار بیمار، در بیمارستان هدایت تهران و... و...

حجت‌الاسلام محلاتی، نماینده امام در سپاه پاسداران، در جلسه ۱۳ شهریور ۵۹ مجلس شورای اسلامی، توطئه‌هایی که در مورد سپاه پاسداران وجود دارد، افشا کرده و گفته است:

«... اخیرا کلیه نیروهای خود را بسج کرده و تصمیم گرفته‌اند این جمهوری را از بین ببرند. باید در درجه اول تمام نیروهایمان را برای درهم‌گوییدن توطئه‌ها بکار ببریم. در غرب کشور نیروهای مسلح ما درگیر هستند و سپاه پاسداران در پیشانی آنها می‌جنگد. ولی با کمال تأسف و سوال رزمی این سپاه ناقص است. پاسداران که از ده ماه قبل تاکنون بیش از ۵۰ نفر شهید داده‌اند و جان بر کف با ضد انقلاب می‌جنگند، احتیاج به وسایل دارند. من باید این مسائل را بگویم، ارتش و مسئولین مکلفند

در اسرع وقت نیازهای این سپاه را تکمیل کنند، چرا که «اگر سپاه نباشد، انقلاب نخواهد بود.» اکنون توطئه‌هایی هست که می‌خواهند سپاه را تضعیف کنند... مثلا روزنامه کیهان یک خبردروغ را با تیرتی تحریک آمیز عنوان میکند و غیر مستقیم سپاه پاسداران را زیر ضرب می‌گیرد... ما تصمیم گرفته‌ایم سپاه پاسداران را اولاً از عناصر ناپاک تصفیه کنیم و ثانیاً با استفاده از نیروی انسانی آنرا تقویت کنیم.»

تردید نیست تضعیف سپاه پاسداران، تضعیف انقلاب و نابودی سپاه پاسداران، نابودی انقلاب است. اکنون که انقلاب ایران آماج مستقیم هجوم امپریالیسم آمریکا است، تضعیف نهادهای انقلاب، حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیستی است. دشمن قصد دارد این نهاد را تضعیف کند و آنها را از سر راه خود بردارد، تا انقلاب را در کل خود به نابودی بکشاند. از اینجهت است که باید کاملاً هشیار بود و نهادهای انقلابی و بسویژه سپاه پاسداران را از هر جهت تقویت کرد. هم باید سپاه را مجرب و مسلح و آماده نگاهداشت و هم، همانطور که حجت‌الاسلام محلاتی خاطر نشان ساخته، با تصفیه صفوف آن از عناصر ناپاک، مشکوک و ضدانقلابی، به تحکیم و اعتبار آن یاری رساند.

آنان که برای انقلاب از جان و زندگی خود مایه گذاشته‌اند، نباید خدمتشان از دید کسانی چنین بی‌ارج باشد، که بخوانند یا اخلاص و کارشکنی به نقش موثر سپاه پاسداران در مسداده از انقلاب لطمه وارد سازند. به کفنه امام‌خیمین:

«تا کی این جوانهای بیچاره ما تلف شوند و باز هم از آنها قدردانی نشود و توی سرشان زده شود، هی کشته بدهند و هی توبه سری بخورند، هی کشته بدهند و هی تکفیر بشوند، تا کی باید ما اینها را تحمل بکنیم؟»

برای اطلاع علاقمندان به نشریات حزب توده ایران

انتشارات حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که فقط مسئولیت انتشار کتاب‌هایی را به عهده دارد که با آرم مخصوص انتشارات حزب توده ایران، به چاپ می‌رسد. گاه مشاهده می‌شود که برخی از دک‌ها و کتابفروشیها در کنار نشریات حزب ما، جزوه‌ها و کتاب‌هایی را که محتوای آنها مورد تایید حزب توده ایران نیست، برای فروش عرضه می‌دارند.

طبیعی است که وجود چنین نشریاتی در کنار کتابهای دارای آرم انتشاراتی حزب توده ایران بی‌سوجه باید برای خریداران چنین تصویری را پدید آورد که گویا این نشریات با تایید حزب توده ایران، به چاپ رسیده است.

از جمله نشریاتی که فروش آنها در برخی از دک‌ها و کتابفروشیها با عرضه نشریات حزب توده ایران همراه بوده اعتراض بسیاری از علاقمندان به نشریات حزب ما است و آنها را به نوشتن نامه‌های اعتراض آمیز علیه این نشریه وامی‌دارد. بدین وسیله به اطلاع همه علاقمندان به نشریات حزب توده ایران می‌رسانیم که این نشریه هیچگونه ارتباطی با انتشارات حزب توده ایران ندارد.

ما از مسئولان دک‌ها و کتابفروشیهای علاقمند به نشریات حزب توده ایران انتظار داریم، که برای جلوگیری از این نوع سوء تفاهات زبان‌بختی، از فروش نشریات دارای محتوای مخدوش و مشکوک در کنار نشریات حزب ما، خودداری کنند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

۷ هزار تاجیک در تبریز!

کیهان یافت. همین خبر اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز را، هیچ روزنامه دیگری جز «کیهان» نوشت.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می‌نوشتند. در گرما گرم توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته شد. دلیل آنرا نمی‌دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تمسبهای ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی‌شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طور نیست که درج خبر دروغ اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهمتر از اظهار نظر درباره کودتاییست که سر نخش در دست امریکاییهاست. ما میگوئیم سیاست ضدشوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بهین دلیل هر خبر دروغ ضدشوروی را هم روی هوا می‌پایند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه‌داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده‌اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا «جو سازی» بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده‌اند.

آنچه شما «واکنش تند و غیر- اصولی ما در مورد سیاست یک کشور بیگانه» می‌نامید، از احساس مسئولیت در قبال ایران سرچشمه می‌گیرد. ما عقیده داریم که ایجاد جو ضد- شوروی، که روزنامه کیهان پس از انتصاب آقای یزدی به سرپرستی آن روزنامه، در پیش گرفته، بزبان ایران است. وخامت روابط ایران و اتحاد شوروی بیشتر به ایران سدمه میزند تا به اتحاد شوروی. جای خوشبختی است که این واقعیت را اکنون بخش بزرگی از افراد مومن به انقلاب ایران فهمیده‌اند. ما میگوئیم که «جو سازی» ضد شوروی، بخصوص در این لحظه که ایران در آستانه یکی از بزرگترین آزمایش- های تاریخی قرار گرفته است، آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، عملاً بزبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

امپریالیستها تصمیم دارند، و این تصمیم بر هیچکس پوشیده نیست، که بهر قیمتی شده است ما را به زانو درآورند. در چنین شرایطی، دشمن ترافی مصنوعی، که جبهه انقلاب ما را تضعیف میکند، بسود کیست؟ دشمن دشمن ما، اگر هیچ دلیل دیگری هم وجود نداشته باشد، دوست ماست، و ما چرا باید بکام دشمن، بروی دوست پنجه بزنیم؟ و چرا آقای دکتر یزدی چنین «خط - مشی» را در روزنامه کیهان، روزنامه‌ای که متعلق به مردم ایران است و باید سخنگوی آنان باشد، دنبال می‌کند؟ ناسزا و اتهام و سفسطه آقایان «سرویس خارجه» پاسخ این سئوالات نیست.

به جسد دعوی بی‌اصل مبرهن نشود حرف کج راست به زور رگ گردن نشود

بنویسد. ۴- آیا در این خبر بقدر سر- سوزنی احتمال صحت و واقعیت وجود دارد؟

در مقاله «گذری و نظری» چنین گفته میشود:

«این خبر (خبر اعزام ۷ هزار تاجیکستانی به تبریز) مطابق بسیاری خبرهای دیگر، که بر روی تلکس خبرگزاریها می‌آیند، بدون آنکه صحت و سقم آن صد درصد مورد تایید ما باشد، با در نظر گرفتن درصدی از درستی، پسرای اطلاع خوانندگان چاپ شده.»

آن «درصدی از درستی» که آقایان نوشته‌اند، کدام است؟ هفت هزار تاجیک سوزن‌اند که در شهر تبریز کم شوند و کسی خبردار نشود، که آقایان آن خبر را روی تلکس خبر- گزارها بگیرند؟! این چه عقل ملا نصرالدینی است که خبر تبریز را از تلکس خبرگزاری فرانسه می- گیرد و گوشه تلفن را برنمی‌دارد و از استانداری آذربایجان شرقی در تبریز نمی‌پرسد؟ آیا میتوان قبول کرد که در اینگونه اعمال غرض خاصی نبهت نیست و مجموعه این اغراض، «خط‌مشی» تازه روزنامه کیهان، پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سرپرستی آن روزنامه نیست؟

اعتراض ما به درج این خبر دروغ، اعتراض به این خط‌مشی است، نه اعتراض به اشتباه در درج یک خبر، که ممکن است برای هر روزنامه‌ای پیش بیاید. مقاله «گذری و نظری» پار دیگر ثابت میکند که درج این گونه اخبار دروغ در سمت همین، جزء خط‌مشی روزنامه است، نه حادثه‌ای تصادفی.

آیا روزنامه کیهان، بهمان اندازه که «جو سازی» ضد شوروی میکند «جو سازی» ضد امریکائی هم میکند، و به اصطلاح هم «شرق» را میکوبد و هم «غرب» را؟

شماره‌های چند ماه اخیر کیهان را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سر- پرستی کیهان، خط‌مشی روزنامه تغییر کلی کردیم، سمت ضد- امریکائی در آن بطور محسوس کاهش یافته و سمت ضد شوروی به اوج خود رسیده است. هر جا تلکسی خبر دروغی بر ضد شوروی پخش میکند، آنرا میتوان در صفحات

روزنامه کیهان مقاله‌ای زیر عنوان ری و نظری» چاپ کرده و ما لحن و کلماتی که چهل سال گوش ما با آن آشناست، به اسزا و اتهام گرفته است. ما ندیم که این مقاله بما امکان د بحثی ماهوی درباره روش آن، پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سرپرستی این روزنامه باز و مسئله خبر اعزام ۷ هزار کستانی به تبریز، را نیز از همین دید مورد بررسی قرار دهیم، اصل موضوع ناسزاها و اتهامات «جو ساز» ریگ و بی‌بایه باشد، آنست که روزنامه‌ای مانند

ان «زیر رهبری آقای دکتر یزدی، بچه سمتی می‌رود، و آیا این به انقلاب و مردم ایران سود اند و یا زیان و چه باید کرد بود بیشتر و زیان کتر باشد، برای ما ایست و ناسزاگویی اهزی فرج. مردم یکی از ولایات ایران ضرب‌المثلی دارند که ید، فحش از دهان گوینده می‌آید و از بینی خودش بالا

اما اصل موضوع: آیا آقای دکتر یزدی در درج روغ اعزام ۷ هزار تاجیکستانی نان شوروی به تبریز» در روز- کیهان مسئولیتی دارند یا خیر؟ مقاله «گذری و نظری» به این چنین پاسخ داده میشود:

ل از هر چیز لازم به یادآوری که واقعیت این بوده و هست لرحه آقای یزدی در تعیین سی روزنامه دخالت دارند، اما دان معنی نیست که شخص در انتخاب هر خبر ریز و روزنامه دخالت میکنند. این شورای سردبیری است.»

من مابن سر همین «خط‌مشی» که در آن، نشر اخبار دروغ جو سازی، به یکی از سمتهای روزنامه کیهان، پس از انتصاب دکتر یزدی تبدیل شده است. سر- خسر اعزام ۷ هزار ستانی به تبریز» - دروغی که یش از هزار فرستگ دیده - در این «خط‌مشی» نمی- ، آقای دکتر یزدی مسئول بر بوطه را میخواست و او را این عمل زشت توبیخ می- نه اینکه به «سرویس خارجه» بدهد مقاله‌ای در دفاع از او

جلسه علنی مجلس، روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۵۹ با حضور ۱۸۰ تن از نمایندگان تشکیل شد.

در ابتدای جلسه، کاظم موسوی بجنوردی، نماینده تهران، بمناسبت اولین نطق قبل از دستور سخن گفت.

کاظم موسوی بجنوردی در قسمتی دیگر از سخنان خود، ضمن اشاره به توطئه‌ها و تحریرات امپریالیسم برای درهم شکستن انقلاب ایران، پیشنهاد کرد که هرچه سریعتر تعاونیهای توزیع در تمام کشور دایر شود و از اینراه دست واسطه‌ها از اقتصاد ایران کوتاه گردد.

قانون ملی شدن بازرگانی این نیست که وزارت بازرگانی به بخش خصوصی یا فلان سرمایه‌دار اجازه بدهد که فلان کالا را وارد کند. این همان وضع سابق خواهد شد. وزارت بازرگانی باید بازرگانی خارجی را صددرصد ملی کند و تنها از این طریق است که تورم کنترل شده و دست واسطه‌ها قطع میشود.

کاظم موسوی بجنوردی در بخشی دیگر از سخنانش ضمن اشاره به توطئه‌های مختلفی که برای تضعیف سپاه پاسداران صورت میگیرد، گفت: «باید این ارگانهای انقلابی را از طریق تصویب بودجه و دادن امکانات مختلف تقویت کنیم.» وی در پایان به لزوم همبستگی با نهضت‌های رهاییبخش اشاره کرد و گفت:

«ما با امپریالیسم در هیچ شرایطی نمیتوانیم از در سازی درآئیم و با آنستیزه‌جو نباشیم. باید درسیاست خارجی همیروند با جنبشهای رهاییبخش و بخصوص فلسطین باشیم و برای رهایی فلسطین به کمکهای مادی و معنوی بپردازیم...»

توطئه‌های امریکا

حجت‌الاسلام محلاتی، نماینده محلات و نیز نماینده امام در سپاه پاسداران، سخنان بعدی قبل از دستور جلسه، ضمن اشاره به سخنان نوروزی امام، گفت:

«امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد... رژیم طاغوتی را ساقط کردیم، اما هنوز گرفتار توطئه‌ها و نقشه‌های خانانه آنها هستیم... امریکای جهانخواه با تمام آیدایش در منطقه و با تمام قدرت می‌کوشد که جمهوری اسلامی را نابود کند.

اخیرا کلیه نیروهای خود را بسیج کرده و تصمیم گرفته‌اند این جمهوری را از بین ببرند. باید در درجه اول تمام نیروهایمان را برای درهم کوبیدن توطئه‌ها بکار ببریم. در غرب کشور نیروهای مسلح ما درگیر هستند و سپاه پاسداران در پیشاپیش آنها می‌جنگد. ولی با کمال تأسف وسائل رزمی این سپاه ناقص است.

پاسدارانی که از ده ماه قبل تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر شهید داده‌اند و جان بر کف با ضدانقلاب می‌جنگند، احتیاج به وسائل دارند. من باید این مسائل را بگویم.

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس گفته شد:

آمریکای جهانخواه را با تمام نیرو می‌کوشد جمهوری اسلامی ایران را نابود کند

انگلیستان در جنایات امریکا شریک است

با امپریالیسم در هیچ شرایطی نمی‌توانیم سازش کنیم

بازرگانی خارجی باید صددرصد ملی شود

ارتش و مسئولین مکلفند در اسرع وقت نیازهای این سپاه را تکمیل کنند، چرا که اگر «سپاه نباشد، انقلاب نخواهد بود». اکنون توطئه‌هایی هست که میخواهند، سپاه را تضعیف کنند... مثلا روزنامه کیهان یک خبر دروغ را با تیرتی تحریک‌آمیز عنوان می‌کند (مربوط به سپاه پاسداران فرودگاه مهرآباد) و غیر مستقیم سپاه پاسداران را زیر ضرب میگرداند... ما تصمیم گرفته‌ایم سپاه پاسداران را اول از عناصر ناپاک تصفیه کنیم و دنیا با استفاده از نیروی انسانی آن را تقویت کنیم و بخاطر همین ماده واحده‌ای با امضاء ۵۰ تن از نمایندگان و با قید فوریت به مجلس عرضه میکنم.

وی در پایان سخنان خود، به مسئله قانون ملی شدن معادن و عدم تصویب آن توسط شورای انقلاب اشاره کرد و خواهان تصویب این قانون و بیرون آوردن معادن از دست استثمارگران و سپردن آن به مردم شد. سپس حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس در توضیح روند پیشرفت تشکیل کابینه توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«پس از مذاکراتی که دیشب بدعوت روحانیت مبارز میان رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر انجام شد، تقریبا تفاهم حاصل شد، لیکن ۴ مورد مانده است که ریاست جمهوری قول داده‌اند ظرف ۳ روز آینده نتیجه تحقیقات خود را در آن موارد اعلام کنند و امیدواریم تا جلسه بعدی مجلس نتیجه کابینه مشخص شده باشد.»

جنایات انگلیستان

حجت‌الاسلام رفسنجانی همچنین در مورد نامه‌ای که دانشجویان ایرانی زندانی در انگلیستان به مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند، توضیح داد و گفت: «انگلیستان اکنون مدتی است که بصورت یکی از اقطار امریکا درآمد یافته است. البته گذشته انگلیستان هم چیز افتخارآمیزی نیست و مملو از ظلم و ستم و غارتگری و دزدی و جاسوسی پروری در شرق دنیا تا غرب دنیا در آسیا، آفریقا... بوده است، جنایات انگلیستان چیزی نیست که کسی نداند. انگلیستان فکر میکند که ملت ما این ظلم‌ها را نسبت به دانشجویانش می‌بخشد؟ انگلیستان فکر می‌کند ما نمیتوانیم منافع او را در دنیا به خطر بیندازیم؟ من هشدار میدهم که اگر دولت انگلیستان این رویه را دنبال کند، ملت ما و نه

تنها ملت ما، بلکه دوستان ما در تمام دنیا، در کشور-های اسلامی و همچنین در کشورهای غیراسلامی اجازه نخواهند داد این جنایات بی‌جواب بماند...»

سپس متن این نامه فرائت شد. در قسمتی از نامه، ضمن اشاره به دانشجویان زندانی و اینکه آنها حاضر نشدند نام خود را به پلیس انگلیستان بگویند، گفته شده بود: «من ۴ تن از دانشجویان، که در سفارت ایران کار می‌کردند، فاش شد. این مگر به‌جز به دست عوامل مشکوک، که اکنون نیز در وزارت خارجه و سفارت-خانه‌های وابسته به آن هستند، صورت گرفته است؟» در قسمت دیگر نامه آمده است:

«اگر دشمن اصلی مردم ما امریکاست، ولی این شیطان بزرگ را شیاطینی دیگر دستیارند. دست جنایتکار امریکا اکنون از آستین بعضی دیگر از سفارتخانه‌ها، بویژه سفارت انگلیستان بدرآمده و عمل میکنند...»

در پایان این نامه اشاره شده است که اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی هنوز ادامه دارد. از ۱۵ روز تعطیل مصرحه در آیین‌نامه قرائت شد و ۲ فوریتی بودن آن به تصویب نمایندگان رسید. ماده واحده دیگری که مطرح شد، مربوط به استفاده سپاه پاسداران از مشمولین خدمت سربازی و آموزش آنان بود. دوفوریتی بودن این ماده واحده، پس از بحث نمایندگان، رد شد و این ماده به کمیسیون مجلس برای رسیدگی ارجاع شد. سپس توبت به ناطقین بعد از دستور جلسه رسید.

موضوع مجلس ضد امریکائی است

ژانری، نماینده بندرعباس، به موضوع مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و آنرا موضوعی ضد ظلم و بیادگرایی و ضد امریکایی توصیف کرد. وی گفت: «ما نمیتوانیم غفل شویم که دشمن ما، شیطان بزرگ، امریکاست. ما از این تریبون باید هر روز اسناد جنایات امریکا را افشاء کنیم. مگر غیر از اینست که تمام بدبختیها و فلاکت‌های ما از امریکا و سلطه شوم وی بر مردم بوده است؟ هر بار که یک مشکل از مردم ایران مطرح میشود، سندی است علیه امری-

نیروهای صادق به انقلاب را تا مین کرد. ولی متأسفانه این مستکبری صحیح هنوز از مرحله حرف خارج نشده است. اکنون دیگر شرایط فوق‌العاده حساس و بفریح کشور، همراه با خطر جدی ضدانقلاب متشکل در داخل و خطر جدی تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا و عاملش از خارج به ایران، حکم میکند که نیروهای صادق و وفادار به انقلاب در جبهه واحدی متحداً عمل کنند.

روش اصولی و تغییر ناپذیر حزب توده ایران، کوشش مداوم برای تأمین وحدت عمل تمام نیرو-های صادق انقلابی بوده، هست و خواهد بود. حزب ما، علی‌رغم پیشداوریهایی که بصورت تکرار تبلیغات دیرپای ضد توده‌ای و یا حتی عملیاتی بر ضد سازمانهای حزب توده ایران بروز کرده، با تشخیص اینکه اگر این تبلیغات و عملیات نه از روی غرض ضد انقلابی باشد، سرانجام متوقف خواهد شد، با تشخیص اینکه تنها جبهه متحد خلق آن نیروی است که میتواند ضدانقلاب را خنثی کند و انقلاب را به پروری نهای برساند، با اعتقاد اینکه تشخیص و تفکیک دوستان و دشمنان انقلاب، چه در داخل و چه در عرصه بین-المللی، امری نیست که برای مدتی دراز بتواند از عهده نیرو-

های صادق به انقلاب خارج بماند، با اطمینان اینکه روند تجربی انقلاب خود عمل فوق‌العاده موثری در تشخیص و تفکیک دوستان و دشمنان انقلاب و در نتیجه عامل فوق‌العاده موثری در تأمین اتحاد عمل نیروهای صدیق انقلابی در برابر نیروهای ضدانقلابی است، همواره و بدون تزلزل و علی‌رغم موانع و علی‌رغم تحریکات، در راه دسترسی به وحدت عمل نیرو-های انقلابی کوشش مداوم بعمل آورده و خواهد آزد. حزب توده ایران بر آنست که با دسترسی به این هدف، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حفظ و تحکیم خواهد گردید، و اگر نه، انقلاب شکوهمند ما و جمهوری اسلامی ایران در معرض خطر جدی ضربه مهلک ضدانقلاب متشکل قرار خواهد داشت. ما بار دیگر توجه جدی مقامات مسئول و رهبران نیروهای صدیق انقلابی را به متن سخنان رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران (متن درج در شماره ۳۲۵ نامه «مردم») جلب میکنیم. توجه جدی به مطالب مطروحه از طرف دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نه فقط بسود انقلاب است، بلکه برای تدارک بموقع عمل پاسداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد.

یالیسم امریکا. همانطور که امام گفت، امروز باید همه فریادمان را بر سر امریکا بکشیم. امروز توطئه‌های علیه ما، بدست امریکاست.» وی سپس به فقر عظیم ناحیه انتخاباتی خود اشاره کرد و آنها را نتیجه جنایات امریکا در ایران دانست و گفت: «امروز امریکا در قبال تمام این جنایات چه جوابی دارد که به مردم ایران بدهد؟ مرگ بر امریکا و همدستان و یاران و متحدانش...»

توطئه خانمها ناطق بعدی، عطالله مهاجرانی، نماینده شیراز ضمن اشاره به اطلاعاتی که از فارس رسیده، گفت: «خانها سعی می‌کنند تا نسبت به جمهوری اسلام بین عشایر دغدغه بوجود آورند و خود را بعنوان حامی نظم جانشین جمهوری اسلامی ایران کنند. اینها در بعضی موارد با استفاده از ساده‌اندیشی‌ها، با نماینده امام، عشایر را برضد سپاه پاسداران و انقلاب شورانده‌اند.»

وی سپس برای حل این مشکلات و جلوگیری بوجود آمدن غائله‌ای مانند کردستان در فارس، پیشنهادی هائی بدین شرح کرد: «۱- بوجود آوردن سیستم اطلاعاتی کشف توطئه در منطقه،

۲- ایجاد هماهنگی بین سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی و استفاده از توده مومن و معتقد عشایر بسنج آنها و انکاء به آنان،

۳- بوجود آوردن یک دادگاه انقلاب قاطع در منطقه

۴- آگاهی دادن به عشایر، چرا که منابع اطلاع آنها اغلب راديوهای بیگانه است،

۵- دادن اعتبارات لازم برای مناطق عشیره‌نشین آخرین ناطق، هاشمیان نماینده رفسنجان، قسمتی از سخنان خود گفت:

«بجای آنکه قدرتهای استعماری در قطع رابطه پیشقدم شوند، ما باید پیشقدم باشیم. با قدرت استعمارگران کینه، اگر لازم است، باید قطع رابطه کرد که قطع رابطه با آنها موجهی است برای استقلال و تکاء به خود.»

وی در پایان سخنان خود گفت: «باید هرچه زودتر وسایل تولید به صاحب اصلی‌اش که سالیان سال از داشتن آنها محروم بود سپرده شود و دولت باید تمام امکانات مالی لازم را اختیار آنان قرار دهد.»

جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس ساعت ۱۵:۰۰ پایان یافت و تاریخ جلسه بعدی روز یکشنبه ساعت صبح اعلام شد.

در حاشیه مجلس:

درد بر تو! هنگامی که موسوی بجنوردی، نماینده تهران، به سوعاستفاده عده‌ای از بازاریان و سود هنگفت آنها اشاره کرد، حجت‌الاسلام خلخالی گفت: «زرگرها هر صد برابر ثروتمند شده‌اند» و بجنوردی گفت: «درو، بر تو!»

اشخاص متفرقه

بقیه از صفحه ۱ کسانی که قبل از آنها به این گونه اعمال دست زده‌اند، هیچکدام مقامات رسمی و ارکانهای انقلابی کشور حرفش ندارند، و بهین دلیل گاه مشکوکند. مبارز دیگر تأکید می‌کنیم حمله به دفاتر نشریات احزاب سازمانها و گروههای سپاه صرفنظر از هر انگیزه‌ای که برای «توجیه» آن بیان شد عملاً یکی از زمینه‌های اجر توطئه عظیم ضدانقلاب، بره «سپاه» برای نابودی جنبه اسلامی ایران را فراهم می‌کند ما بار دیگر هشدار می‌دهیم که ادامه این وضع تنها و بسود دشمنان انقلاب ایران بزیان انقلاب شکوهمند ما مبارز دیگر از مقامات مسؤ بویژه دادستان کل کشور دادستان کل انقلاب، میخوا که به این وضع خطرناک و قاطعیت تمام پایان دهند. و از زمینه‌های توطئه دشمن را میان بردارند.

پیشنهاد حزب...

بقیه از صفحه ۱ بهنگام بروز بحران، از طرف دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنحوی فشرده، منجز و مشخص تشریح شده است. در مصاحبه بر ضرورت شناخت خطر بزرگی که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بلا-واسطه تهدید میکند، تأکید شده و پیشنهاد شده است که:

«یک کنگره تفاهم ملی از همه نیروهای که آماده‌اند از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نادر حرف، بلکه در عمل و تا پای جان دفاع کنند، تشکیل گردد و یک برنامه تجبیز همه نیروها و امکانات در زمینه بالاپردن قدرت مقاومت ملی، در زمینه اقتصادی، فرهنگی و دفاعی، بر پایه اتحاد بزرگ ملی، بر پایه خط امام خمینی و زیر رهبری امام خمینی، بر پایه تفاهم کامل بین نهادهای اصلی جمهوری اسلامی، یعنی ۳ قوه اصلی قانونگذاری، قضائی و اجرائی، بر پایه تفاهم متقابل مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور و دولت تدارک دیده شود.»

توضیحات دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در این مصاحبه و پیشنهاد وی درباره

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر هزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست) NAMEH MARDOM No. 326 6 September 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود